

۲۰ جواب  
به سوالات غیر  
مسلمانان در باره ی اسلام

نویسنده

داکتر عبدالکریم ذاکر نائیک

**Download from: [aghalibrary.com](http://aghalibrary.com)**

مترجم

احمد مسیح «فضل»

## معرفی کتاب

اسم کتاب:	۲۰ جواب به سوالات غیر مسلمانان در باره ی اسلام
نویسنده:	داکتر ذاکر نائیک
مترجم:	احمد مسیح
ناشر:	انتشارات اصلاح افکار
تیراژ:	۱۰۰۰ جلد
تایپ و دیزاین:	صلاح الدین «ابراهیمی»
نوبت چاپ:	چهارم
قیمت:	۶۰ افغانی
آدرس اول:	اصلاح افکار خوشخال خان بلاکهای شاداب ظفر مقابل سرک پوهنتون.
آدرس دوم:	کوته سنگی مارکیت مینه یار دوکان چهارم، دست راست.
آدرس سوم:	دهمزننگ مرکز کتاب فروشی سرک اول انتشارات سیرت.
شماره تماس:	۰۷۷۸۱۹۱۳۸۲ - ۰۷۸۲۱۲۴۴۲۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## فهرست مطالب

- معرفی ..... 1
- تعداد ازدواج ..... 4
- چند شوهری ..... 8
- حجاب برای زنان ..... 10
- آیا اسلام توسط شمشیر گسترش یافته؟ ..... 15
- مسلمانان بنیادگرا و ترورست هستند ..... 19
- خوردن گوشت حیوانات ..... 22
- طریقه ی اسلامی ذبح حیوانات ظاهرا ظالمانه به نظر می رسد ..... 28
- مصرف گوشت مسلمانان را ظالم می سازد ..... 30
- مسلمانان کعبه را پرستش میکنند ..... 32
- کافران در مکه داخل شده نمی توانند ..... 34
- تحریم خوردن گوشت خوک ..... 36
- تحریم نوشیدن شراب ..... 39
- گواهی مرد وزن ..... 45
- میراث ..... 49
- آیا قرآنکریم کلام خداوند(ج) است ..... 52
- آخرت زندگی بعد از مرگ ..... 63
- چرا مسلمانان به مذاهب مختلف تقسیم شده اند؟ ..... 69
- همه ادیان انسان را تعلیم به نیکو کاری و صداقت میدهند، پس چرا تنها از اسلام پیروی شود؟ .. 72
- تفاوت زیاد میان اسلام و عملکرد واقعی مسلمانان ..... 77
- اگر اسلام بهترین دین ها است پس چرا اکثریت مسلمانان دغل و غیر قابل اعتماد هستند و به کار های  
تقلب، رشوه ستانی، معاملات مواد مخدر... آغشته هستند؟ ..... 77

79 ..... به افراد غیر مسلمان کلمه «کافر» اطلاق می شود.

Dear brother Ahmad Maseh,

As-Salamu Alailum warahmatullahi Wabarakatuhu.

I pray to Allah (SWT) for your health, happiness and vigour in Islamic spirits. Ameen. Jazakallah for your email dated 26<sup>th</sup> August 2008.

There is no copyright on IRF video cassettes / DVDs / VCDs and Books. You may conduct public video-shows of IRF video-cassettes / DVDs / VCDs or telecast them through cable TV channels as may be organized by you or your society. It will be our pleasure if you make copies of IRF cassettes / DVDs / VCDs for wider circulation and dawah activities. You are most welcome even to sell copies of these cassettes or distribute the copies free as and when you require.

We grant you an open license or reproduce or translate into any language our books as well as every other publication of ours. You may publish them for sale for free distribution without any prior permission. We ask for no royalties or copyrights.

May Allah(SWT) shower his Choicest Blessings on the entire Muslim Ummah and help us in our mission of bearing witness to the truth of Islam before all mankind.

Ameen!

Yours in service of Islam,

MAQBOOL BARWELKAR

Public Relation Manager

## پیشگفتار مترجم

ثنا و حمد و بی پایان خدایی را که تنها شایسته اوست و درود باد بر روان پاک سردار عالمیان حضرت محمد مصطفی بن عبدالله (ص)!

روزی از روزها در جریان بحث مذهبی در محل کار با یکتن از همکاران غیر مسلمانم با سوالاتی روبرو شدم که از جواب دادن آن ها عاجز بودم و در صدد آن شدم تا پاسخ قانع کننده به او دریافت کنم و در عین حال اندکی به معلومات خود بیافزایم دیری نگذشت که با توفیق خداوند(ج) در جستجو موفق شدم و از نشانی اینترنتی [www.irf.net](http://www.irf.net) به اکثر موارد جوابات مناسب دریافت نمودم که قناعت او را فراهم و مرا خرسند ساخت!

به نظر من امروز بزرگترین جهاد دور ساختن لکه های سیاه از دامن پاک اسلام است که توسط اشخاص پلید در آن نقش شده، و این امر سبب شده که اگر اسلام از آنسوی مرز کشور های اسلامی از نظر غیر مسلمانان ارزیابی شود مسلمانان همه و همه وحشت افگن( تروریست)، جاهل، دغلباز و کسانی معرفی هستند که از ارزش های انسانی کاملا بدور بوده وحتا بر ضد آن هستند! به همین منظور بعد از مطالعه ی نسخه ی اصلی این جزوه بزبان انگلیسی خواستم آنرا به زبان خودمان برگردان نمایم تا به آنده برادران و خواهرانیکه با چنین چالشها روبرو هستند بتوانند مفید واقع شود.

اینک با کمک خداوند (ج) جلد اول این کتاب به دسترس علاقمندان و نیازمندان قرار میگیرد تا باشد در از بین بردن تعصی سوالات و سوءتفاهمات درباره ی اسلام موثر واقع شود.

در آخر از تمام دوستان وخصوصا اداره جمعیت اصلاح و انکشاف اجتماعی افغانستان که در عالم ناآشنایی مرا در تهیه و نشر پیام الهی یاری رسانیده اند تشکر می کنم و از خوانندگان محترم خواهشمندم تا اشتباهات و کاستی های اولین تجربه ام را نادیده گرفته وبا تماس به نشانی [Afghanprince.maseh@gmail.com](mailto:Afghanprince.maseh@gmail.com) در تصحیح آن مرا یاری رسانند.

کابل زمستان ۱۳۸۷

احمد مسیح فض

## معرفی

دعوت یک وظیفه است

اکثریت مسلمانان می دانند که دین اسلام یک دین جهانی بوده و برای تمام بشریت نازل شده است. خداوند(ج) صاحب تمام کاینات است و مسلمانان عهده دار وظیفه رساندن پیام او به تمام عالم بشریت هستند.

صد افسوس که امروز اکثریت مسلمانان درمقابل این رسالت الهی بی پروا شده اند و با وجودیکه اسلام را به حیث بهترین راه زندگی خود قبول دارند، نمی خواهند این پیام را به آنانی برسانند که تا هنوز برایشان نرسیده است.

کلمه ی عربی (دعوة) به معنای فرا خواندن، جلب کردن و دعوت کردن است و در متون اسلامی، (دعوة) به معنای جدوجهد کردن برای منتشر ساختن و تبلیغ اسلام آمده است.

خداوند(ج) در قرآنکریم می فرماید:

«وچه کسی ستمگار تر از آن کسی است که گواهی وشهادت الهی را که نزد اوست، کتمان می کند؟ و خدا از اعمال شما غافل نیست» {قرآنکریم ۲: ۱۴۰}

۲۰ سوال عمومی

به منظور رسانیدن پیام اسلام به دیگران، گفتگو، ومذاکره حتمی می گردد. خداوند (ج) در قرآنکریم می فرماید:

«با حکمت واندرز نیکو، (همه) را به راه پروردگارت دعوت کن! و با آنها با روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن!» {قرآنکریم ۱۶: ۱۲۵}

در رسانیدن پیام اسلام به غیر مسلمانان، همیشه کافی نیست که گوهر خوب اسلام را برای آنها برجسته سازیم، بسیاری از افراد غیرمسلمان در باره حقیقت اسلام قانع نیستند زیرا چند سوالی همواره در ذهن های شان بی پاسخ باقی مانده است.

ممکن آنها در مباحثه به سرشت مثبت اسلام با ما موافق باشند، اما در عین حال می گویند -«آه! شما همان مسلمانانی هستید که با بیشتر از یک زن ازدواج می کنید، شما همان کسانی هستید که زنان را با پنهان کردن زیر حجاب تحت فشار می آورید، شما بنیادگران هستید...و غیره»

من شخصا می خواهم از آنها با صراحت بپرسم، با دانش محدودی که دارند، خواه درست و یا نادرست، از هر منبع و ماخذ که باشد، چه چیزی را در اسلام غلط می پندارند؟ من آنها را تشویق می کنم تا بسیار صریح و روشن باشد و آنها را قانع ساخته و نکوهش را از اسلام دور می کنم.

طی تجربه چند سال گذشته دعوت، به این نتیجه رسیده ام که تنها ۲۰ سوال است که عموماً یک غیر مسلمان در باره اسلام دارد، هر گاه از یکی آنها پرسیده که چه چیزی به نظر شما در اسلام نادرست است؟ او پنج و یا شش موردی را مطرح می کند و این موارد اکثراً از جمله ۲۰ سوال عمومی می باشد.

### جوابات منطقی میتواند اکثریت را معتقد سازد

به این ۲۰ سوال در باره اسلام با دلیل و منطق جواب قناعت بخش داده میتوانیم. اکثر افراد غیر مسلمان با همین جوابات معتقد میشوند. اگر یک مسلمان این پاسخ ها را حفظ کرده بتواند و یا صرف در خاطر داشته باشد، انشاءالله او موافق خواهد بود: حتا اگر نتواند یک غیر مسلمان را در باره حقیقت کامل اسلام معتقد بسازد، حد اقل میتواند در برطرف کردن سوء تفاهمات در باره اسلام و خنثی کردن افکار منفی که افراد غیر مسلمان در باره اسلام و مسلمانان دارند استفاده کند.

ممکن یکتعداد بسیار کمی از غیر مسلمانان استدلال های بر ضد این جوابات داشته باشند که برای آنها به معلومات بیشتر ضرورت است.

### سوء تفاهم بر اثر رسانه ها

بصورت عموم تصورات سوء در ذهن های اکثریت افراد غیرمسلمان بر اثر تبلیغات رسانه ها بر اسلام برمیخیزد؛ زیرا آنها همیشه توسط معلومات نادرست درباره اسلام بمبار میشوند. رسانه های بین المللی عموماً توسط غرب اداره می شوند؛ اگر کانال های ستلایت بین المللی باشد یا مراکز رادیویی و یا روزنامه ها تا مجلات و کتابها. در این اواخر انترنت به یک وسیله ی مقتدر رسانه ی معلوماتی مبدل گردیده – با آنکه توسط هیچ کسی اداره نمی شود، میتوانیم در آن مقدار زیاد تبلیغات زهر آگین و تلخ در باره ی اسلام دریابیم. البته مسلمانان هم از این وسیله ی خوب برای مجسم ساختن تصویر حقیقی اسلام و مسلمانان استفاده می کنند. اما به مقایسه تبلیغات ضد اسلام بسیار ناچیز می باشدو امید وارم کوشش های مسلمانان افزایش یافته ودنبال شود.

### سوء تفاهات با گذشت زمان تغییر می کند

سوء تفاهات در باره اسلام در دوره ها و روز گاران مختلف از هم متفاوت می باشد. این مجموعه ی ۲۰ سوال عمومی مبنی بر زمان حاضر است. ده ها سال قبل، سوالات راجع به اسلام متفاوت از امروز بوده و ممکن سال های بعد نیز بنا براینکه چگونه اسلام توسط رسانه ها به تصویر کشیده می شود فرق کند.

### در سراسر جهان سوء تفاهات یکسان اند

من بامردم نقاط مختلف جهان صحبت نموده ام و ۲۰ سوال عمومی درباره ی اسلام دریافته ام که در همه جا یکسان اند. شاید چند سوال متفاوت دیگری هم مبنی بر موقعیت، منطقه، ماحول، رسوم و عنعنات وجود داشته باشد. به رنگ نمونه در امریکا، یکی از سوالات عمومی این است که «چرا اسلام دادن و گرفتن سود را حرام ساخته است؟». من در مجموعه ی این ۲۰ سوال عمومی، برخی از سوالات مروج بین هندی های غیرمسلمان را درج کرده ام. بطور مثال «چرا مسلمانان از غذا های غیر نباتی (گوشت حیوانات) استفاده می کنند؟» دلیل درج کردن چنین سوالات این است که مردمان اصیل هند در سراسر جهان مسکون هستند و تقریباً ۲۰٪ یعنی (۱/۵) حصه ی نفوس جهان را تشکیل می دهند. از همین لحاظ در سراسر جهان سوالات آنها به عمومی افراد غیرمسلمان مبدل شده است.

### سوء تفاهات کسانی که اسلام را کم و بیش مطالعه کرده اند

تعداد زیادی از افراد غیر مسلمان وجود دارند که اسلام را مطالعه کردن اند. اکثریت آنها صرف کتابهایی را راجع به اسلام مطالعه نموده اند که توسط نکوهشگران اسلام تالیف شده. این گروه مردم مجموعه ی ۲۰ مورد دیگر تصورات غلط در باره ی اسلام دارند – به گونه مثال آنها ادعا می کنند که کلمات ضد و نقیض در قرآنکریم دریافته اند، ویا ادعا می کنند که قرآنکریم خلاف موازین علمی است... و غیره. یک مجموعه ی جوابات به سوالات آنده کسانی تهیه کرده ام که اسلام را از منابع تحریف شده مطالعه کرده اند<sup>1</sup>. همچنان به جوابات آن ۲۰ سوالی که کمتر میان افراد غیرمسلمان مروج است در سخنرانی های عمومی و در کتاب «جواب به سوالات عمومی آن عده افراد غیرمسلمان که اندکی معلومات درباره ی اسلام دارند» پرداخته ام.

<sup>1</sup> انشاءالله این مجموعه عنقریب ترجمه و به دسترس علاقمندان قرار می گیرد- مترجم

## تعدد ازدواج

چرا در اسلام به یک مرد جواز داشتن بیشتر از یک زن داده شده و چرا در اسلام تعدد زوجات جواز دارد؟

جواب:

### ۱. تعریف تعدد زوجات:

تعدد زوجات (Polygamy) به آن نظامی گفته می شود که در آن یک شخص می تواند بیشتر از یک همسر داشته باشد. تعدد زوجات به دو قسم است:

1 - چند زنی (Polygyny) : که یک مرد با بیشتر از یک زن ازدواج می کند.

2 - چند شوهری (Polyandry): که یک زن با بیشتر از یک مرد ازدواج می کند.

در اسلام چند زنی محدود جواز دارد؛ در حالیکه چند شوهری کاملاً ممنوع است. حالا به پاسخ اصل سوال می پردازیم که چرا یک مرد می تواند بیشتر از یک زن داشته باشد؟

### ۲. قرآن یگانه کتابی است که در آن گفته شده «صرف با یک زن ازدواج کنید»

قرآن کریم یگانه کتابی مذهبی در روی زمین است که این عبارت در آن ذکر شده: صرف با یک زن ازدواج کنید. هیچ کتاب مذهبی دیگری وجود ندارد که مردان را به ازدواج با یک زن هدایت کند. در هیچ یک از دیگر کتابهای مذهبی، چه ویداس باشد یا راماین، مهابهارت باشد یا گیتا و یا هم تلمود و انجیل هیچ حدی برای تعدد ازدواج تعیین نگردیده. نظر به این کتابها، یک مرد می تواند با هر تعداد زنی که خواسته باشد ازدواج کند. بعدها، روحانیون و کشیشان هندو و کلیسای عیسوی تعداد همسر را به یک زن محدود کردند. بسیاری از شخصیت های روحانی هندو، نظر به کتاب آنها، چندین همسر داشتند. شاه دشرات پدر راما، بیشتر از یک همسر داشت و کرشنا چندین همسر داشت. به مردان عیسوی در اوایل جواز بود به هر اندازه که می خواستند ازدواج کنند زیرا انجیل حدی برای تعدد ازدواج تعیین نکرده است. فقد چند قرن قبل کلیسای عیسوی تعدد ازدواج را به یک همسر محدود ساخت.

تعدد ازدواج در یهودیت نیز جواز داشت. نظر به قانون تلمود، ابراهیم سه و سلیمان صدها خانم داشت. رسم چند زنی تا زمان ربی گرشوم بن یهودا (۱۰۳۰-۹۶۰م) رواج داشت اما او قانونی علیه آن صادر کرد. جوامع یهودی سیفاردیک که در کشور های اسلامی سکونت داشتند همین رسم را تا ۱۹۵۰م ادامه دادند تا زمانی که فرمان ربینیت رییس اسرائیل عدم جواز ازدواج با بیشتر از یک زن را اعلام کرد.

(یادداشت جالب: نظر به سرشماری هندوستان در سال ۱۹۷۵م، هندوها بیشتر از مسلمانان چند زنه هستند. گزارش «کمپته ی وضع اجتماعی زن در اسلام» چاپ سال ۱۹۷۵ در صفحه ی ۶۶ و ۶۷ می نویسد که فیصدی از دواج های متعدد (چند همسری) بین سالهای ۱۹۵۱-۱۹۶۱ در هندوها ۵،۰۶٪ و در مسلمانان ۴،۳۱٪ بوده است. نظر به قانون هندوستان صرف به مردان مسلمان جواز از دواج متعدد داده شده و برای یک غیرمسلمان غیر مجاز است تا بیشتر از یک همسر داشته باشد. با وجودی که این یک امر غیرمجاز است، هندوها به مقایسه ی مسلمانان بیشتر چند همسرگزین هستند. قبلاً، هیچ ممانعت در تعدد از دواج برای هندوها وجود نداشت در سال ۱۹۵۴ قانون از دواج هندوها تصویب گردید که بنا بر آن داشتن بیش از یک خانم برای هندوها غیر قانونی اعلام شد. حالا قانون دولت هند، هندوها را از از دواج با بیشتر از یک زن منع می کند، نه کتابهای هندوها...

حال بیابید بررسی کنیم که چرا اسلام به مردان جواز از دواج متعدد داده است.

### ۳. قرآنکریم به چند زنی محدود جواز داده است

چنانکه قبلاً ذکر کردیم، قرآن یگانه کتاب مذهبی در روی زمین است که می گوید:

«صرف با یک زن از دواج کنید» این عبارت از آیت ۳ سوره النساء است:

«با زنان مورد علاقه خود از دواج کنید، دو، سه و یا چهار؛ اما اگر شما از اینکه با ایشان به درستی (با انصاف) معامله کرده نمی توانید، پس صرف با یکی از دواج کنید.» {قرآنکریم ۴:۳}

قبل از اینکه قرآنکریم نازل شود، حداکثر تعدد از دواج محدود نبود و بعضی از مردان چندین همسر داشتند، بعضی ها حتا صدها. اسلام حد اکثر تعداد از دواج را تعیین کرد. اسلام به یک مرد جواز از دواج با دو، سه، و یا چهار زن را میدهد. صرف در صورتی که او با آنها عادلانه رفتار کند. در همین سوره به عبارت دیگر در آیه ۱۲۹ می فرماید:

«شما هیچ گاهی قادر به عدالت درست و منصفانه (محبت قلبی) در بین همسران تان نخواهید بود... {قرآنکریم ۴:۱۲۹}

از این سبب برگزیدن چندین همسر قاعده کلی نبوده بلکه یک استثنا می باشد. بعضی از مردم در این سوء تفاهم غرق هستند که داشتن بیشتر از یک همسر برای یک مرد مسلمان حتمی است.

در مجموع اسلام پنج دسته اوامر و نواهی دارد:

1 - فرض: اجباری و الزامی.

2 - مستحب: حتمی و یا تشویق شده.

3 - مباح: روا و یا مجاز.

4 - مکروه: ناپسند، بد و یا ناروا.

5 - حرام: ممنوع یا منع شده.

چند همسر گزینی در دسته ی میانی که «مجاز» است میاید و اگر گفته شود مسلمانی که دو، سه و یا چهار همسر دارد بهتر از مسلمانی است که صرف یک همسر دارد، اشتباه است.

#### ۴. حد اوسط عمر زنان نسبت به مردان بیشتر است

بصورت طبیعی مردان و زنان تقریباً به یک تناسب تولد میشوند اما طفل مونث نسبت به طفل مذکر مصونیت بیشتر را دارا می باشد. طفل مونث نسبت به طفل مذکر با مکروب ها و امراض بهتر مبارزه می کند. بنا بر این، در دوره طفولیت، مرگ و میر اطفال مذکر به نسبت اطفال مونث بیشتر است.

در جنگ ها، تعداد زیاد مردان نسبت به زنان کشته می شوند. تعداد زیاد مردان نسبت به زنان در اثر حادثات و امراض از بین میروند. حد اوسط عمر زنان نسبت به مردان بیشتر است، و در هر زمان تعداد بیوه زنان بیشتر از تعداد مردان زن مرده بچشم می رسد.

#### ۵. در هندوستان نفوس مردان نسبت به زنان از سبب سقط جنین بیشتر است

هندوستان و کشورهای همجوار از جمله چند کشور محدودی اند که در آنها نفوس مردان بیشتر از زنان است. دلیل آن تعداد زیاد دختر کشی (کشتن کودکان مونث) است، و حقیقت اینکه در این کشور (هندوستان) در سال بیشتر از یک میلیون جنین بعد از اینکه مونث شناسایی می گردند، سقط می شوند. اگر این عمل شیطانی متوقف گردد، هندوستان نیز مانند سایر کشورها تعداد بیشتر زنان را نسبت به مردان دارا خواهد بود.

#### ۶. نفوس مجموعی زنان بیشتر از مردان است

در ایالات متحده ی امریکا به تعداد ۷،۸ میلیون زن بیشتر از مرد وجود دارد. تنها در نیویارک یک میلیون زن بیشتر از مرد وجود دارد و ۱/۳ حصه ی مجموعی نفوس مردان آن همجنس خواهان اند. در مجموع ایالات متحده ی امریکا بیشتر از ۲۵ میلیون همجنس خواه دارد به این معنا که تعداد متذکره تمایل ازدواج با زنان ندارند. در بریتانیا ۴ میلیون زن بیشتر از مرد وجود دارد. آلمان ۵ میلیون زن

بیشتر از نفوس مرد دارد. روسیه ۹ ملیون زن بیشتر از مرد دارد و خداوند(ج) خودش می داند که چند ملیون زن بیشتر از مرد در سراسر دنیا وجود دارد.

#### ۷. محدود ساختن ازدواج هر مرد با یک زن مناسب نیست

در صورتی که هر مرد با یک زن ازدواج کند، بیشتر از ۳۰ ملیون زن در ایالات متحده ی امریکا بی شوهر باقی میماند (بادر نظر داشت اینکه در ایالات متحده ۲۵ ملیون همجنس خواه وجود دارد) و نیز بیشتر از ۴ ملیون زن در بریتانیا، ۵ ملیون زن در آلمان و ۹ ملیون دیگر در روسیه باقی می مانند که صاحب شوهر نمی شوند. فرض کنید همشیره ی من یکی از همان زنان مجرد ایالات متحده باشد و یا همشیره ی شما یکی از همان زنان مجرد در ایالات متحده امریکا باشد صرف دو راهی که برای او وجود دارد یکی این است که او با مردی ازدواج کند که قبلاً دارای همسری باشد و یا «ملکیت عام» شود؛ هیچ گزینه ی دیگر برای او وجود ندارد. آنانی که با حیا و فروتنی اند، راه اول را بر می گزینند. اکثر زنان نمی خواهند تا شوهران شان را با دیگران شریک سازند اما هنگامی که وضعیت در تنگنا قرار گیرد و وخیم شود، برای زنان مسلمان با ایمان و راسخ ضرور است تا خساره شخصی کوچکی را برای جلوگیری از خساره ی بزرگتری که موجب مبدل شده دیگر خواهران مسلمان شان به ملکیت عام می گردد، تحمل کنند.

#### ۸. ازدواج با یک مرد متاهل بهتر از مبدل شدن به «ملکیت عامه» است

در جوامع غربی این امر معمول است که یک مرد معشوقه ها و روابط زیاد جنسی بدون ازدواج داشته باشد، که این وضعیت موجب می شود تا یک زن زندگی نامطبوع، ننگین و هدر داشته باشد در حالیکه همین جامعه قبول ندارد که یک مرد بیشتر از یک همسر داشته باشد که در آن جایگاه آبرومند، محترم و با وقار زنان در جامعه حفظ شده و منجر به زندگی معزز برای آنها می گردد.

پس برای هر یک از آن زنانی که صاحب شوهر نمی شوند یکی از این دو راه وجود دارد و آن اینکه یا با مردی متاهل ازدواج کنند و یا «ملکیت عامه» شوند. اسلام درجه ی معزز برای زنان با ترجیح دادن گزینه ی اول و نکوهش گزینه ی دوم برگزیده است.

دلایل زیادی دیگری نیز برای اثبات اینکه چرا اسلام چند همسر گزینی محدود را جواز داده وجود دارد. اما هدف اصلی حفظ عفت زنان می باشد<sup>1</sup>.

<sup>1</sup> برای معلومات بیشتر به سخنرانی ها و کتابهای مولف مراجعه شود- مترجم

## چند شوهری

(چند شوهری گزینی)

اگر یک مرد میتواند بیشتر از یک همسر داشته باشد پس چرا اسلام یک زن را از داشتن چندین شوهر منع می کند؟

**جواب:** تعداد زیاد مردم به شمول بعضی از مسلمانان، درباره ی این منطق سوال دارند که چرا مردان می توانند بیشتر از یک همسر داشته باشند در حالیکه عین حق از زنان سلب شده است؟.

نخست میخوام بطور موكد بگویم که تهاداب جامعه ی اسلامی را عدالت و مساوات تشکیل می دهد. الله (ج) مرد وزن را هم مرتبه، اما با توانایی ها و مسوولیت های متفاوت خلق نموده است. چون مردان و زنان از نگاه ساختمان فزیک و روانی از هم متفاوت اند؛ از همین لحاظ نقش و مسوولیت های آنان نیز از هم دیگر متفاوت می باشد. در اسلام مرد وزن هم مرتبه هستند اما همانند و یکسان نیستند.

آیات ۲۲ با ۲۴ سوره النساء فهرست زنانی را بیان می کند که مردان مسلمان با آنها ازدواج کرده نمی توانند. همچنان آیت ۲۴ سوره ی النساء می فرماید «وزنان شوهردار (بر شما حرام است)»

نکته های زیر بیانگر دلایلی اند که چرا چند شوهری منع شده است:

۱. اگر یک مرد بیشتر از یک همسر داشته باشد، والدین اطفالیکه از چنین ازدواج تولد می شوند به آسانی شناسایی می شوند و در صورتی که یک زن بیشتر از یک همسر داشته باشد تنها مادر طفل در این نوع ازدواج شناسایی می شود نه پدر. اسلام اهمیت زیادی به شناخت والدین؛ پدر و مادر قایل است. نظر به تحقیقات روانشناسان اطفالیکه والدین خود را- خصوصاً پدر خود را نمی شناسند متحمل آسیب ها و اختلالات روانی شدید می باشند. عموماً آنها طفولیت ناخوش و نامرادی را سپری می کنند از همین سبب اطفال فاحشه ها دوره ی طفولیت سالم نمی داشته باشند. اگر طفل متولد از همچون زناشویی شامل مکتب شود و از مادر، نام پدر طفل پرسیده شود. ناچار او باید دو و یا بیشتر نام ها را بیان کند!

از پیشرفت های اخیر ساینس که با کمک آزمایش های ارثی شناخت پدر و مادر را ممکن ساخته واقف هستیم، بناء این نکته که در گذشته کار برد داشت در حال حاضر قابل اجرا نمی باشد.

۲. طبیعتاً مردان بیشتر از زنان چند همسر گزین<sup>1</sup> هستند.

۳. نظر به ساختمان بیولوژیکی انسان برای یک مرد آسانتر است تا وظیفه ی خود را منحصیث شوهر با وجود داشتن چندین همسر اجرا کند، اما در عین حال برای زنی چندین همسر داشته باشد ممکن نیست که تا وظایف خود را منحصیث یک خانم اجرا کند. زنان متحمل تغییرات مختلف روانی و رفتاری به سبب مراحل مختلف دوره ی قاعده گی می شوند.

۴. زنی که بیشتر از یک همسر داشته باشد همزمان دارای چندین شریک جنسی بوده و امکان زیاد سرایت امراض سرایتی آمیزشی و یا جنسی بوجود می آید که می تواند دوباره به همه شوهرانش منتقل شود حتا اگر شوهرانش روابط غیر زناشویی هم نداشته باشند اما این قضیه با مردی که همزمان چندین خانم دارد و آنها روابط غیر زناشویی نداشته باشند وجود ندارد.

دلایل متذکره از جمله دلایلی اند که به آسانی درک می شوند. ممکن چندین دلیل دیگری وجود دارد که الله (ج) با حکمت و علم بیکران خود چند شوهه گزینی را منع کرده<sup>1</sup>.

<sup>1</sup> برای معلومات بیشتر به سخنرانی ها و کتابهای مولف مراجعه شود - مترجم

## حجاب برای زنان

چرا اسلام زنان را با پنهان نمودن در پشت حجاب تحقیر میکند؟

**جواب:** حالت زنان در اسلام اکثراً هدف حملات رسانه های غیر مذهبی قرار میگیرد. لباس اسلامی ویا «حجاب» توسط بسیاری از مردم نمونه ی تحت انقیاد در آوردن زنان در قانون اسلامی خوانده می شود. قبل از اینکه دلیل های مذهبی دستور حجاب را مطالعه کنیم، بیایید نخست حالت زنان را در جامعه های از اسلام بررسی کنیم.

### ۱. در گذشته زنان تحقیر شده و به حیث مفعول شهوت استفاده می شدند.

مثال های زیرین تاریخ این حقیقت را روشن میساز که درمدنیت های قبلی وضعیت اجتماعی زنان تا حدی وحشتناک بود که حتا از مقام ابتدایی انسانی آنها انکار می شد:

#### الف – تمدن بابل:

در مدنیت بابل زنان پست پنداشته شده و تمام حقوق شان نقض می شد و اگر یک مرد زنی را به قتل می رساند، به عوض او خانمش کشته می شد.

#### ب – تمدن یونان

تمدن یونانیان باشکوه ترین تمام مدنیت های قدیم شناخته شده. تحت نظام این مدنیت مجلل، زنان از همه ی حقوق محروم بودند و با نگاه حقارت به طرف ایشان دیده می شد. در افسانه شناسی یونانی زن تصویری بی بنام «پاندورا» وجود دارد که سبب اصلی بدبختی انسان ها پنداشته میشود. یونانیا به این عقیده بوند که زن مادون انسان بوده و پست تر از مرد است ولی با وجود آن هم عفت زن گرانها بود و زنان را محترم می شمردند اما بعد ها یونانیان در هوای نفس و انحرافات جنسی غوطه ور شدند و فحشا در بین تمام اقشار جامعه ی یونانی مروج گردید.

#### ج – تمدن روم

هنگامیکه مدنیت رومیان در اوج شکوه خود قرار داشت، یک مرد حتا حق داشت تا جان همسر خود را بگیرد. فحشا و برهنگی در بین رومیان عام بود.

د - تمدن مصر

مصریان زن را بد، زیان آور و نشانه ی شیطانی می دانستند.

ه - عربستان قبل از اسلام

قبل از اینکه اسلام در عربستان ظهور کند، عربها طرف زن به نگاه حقارت می نگرستند و اگر دختری تولد می یافت، او را زنده دفن می کردند.

**۲. اسلام حقوق زن را بلند برد، برای اومساوات قایل شد و از او می خواهد تا مقام خود را حفظ کند**

اسلام وضع اجتماعی و مقام زن را بلند برده، حقوق اصلی شان را ۱۴۰۰ سال قبل از امروز برای آنها داد و از آنها تقاضا دارد تا مقام والای خود را حفظ کنند.

حجاب برای مردان

عموما «حجاب» برای زنان تصور می شود در حالیکه قران عظیم الشان، اولاً حجاب را برای مردان و بعد برای زنان بیان می کند. خداوند(ج) در سوره النور می فرماید: «به مردان مومن بگو چشم های خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند، و عفاف خود را حفظ کنند، این برای آنان پاکیزه تر است، خداوند از آنچه می کنید خبردار است!» {قرآنکیم ۲۴: ۳۰}

در لحظه ایکه پاکیزه یک مرد به سوی یک زن نگاه کند و فکر گستاخانه یی در ذهنش خطور کند، باید نظر خود را فروافکند.

حجاب برای زنان

آیت بعدی سوره النور چنین می فرماید:

«و به زنان با ایمان بگو چشم های خود را (از نگاه هوس آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است آشکار ننمایند و (اطراف) روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تاگردن و سینه با آن پوشانیده شود) و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهران شان، یا پدران شان، یا پدر شوهران شان، یا پسران شان، یا پسران همسران شان، یا برادران شان، یا پسران برادران شان، یا پسران خواهران شان، یا زنان هم کیش شان، یا برگانشان (کنیزانشان)، یا افراد سفیه که تمایلی به طن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند و هنگام راه

رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی شان دانسته شود (و صدای خلخال که بر پا دارند به گوش رسد). و همگی به سوی خدا بازگردید ای مومنان، تا رستگار شوید!» {قرآن کریم ۲۴: ۳۱}

### ۳. شش معیار برای حجاب

نظر به تعلیمات قرآن عظیم شان و سنت نبوی (ص) اساساً شش معیار برای رعایت حجاب وجود دارد:

1 - اولین معیار حجاب پوشانیدن تمام بدن است اما این معیار برای مردان و زنان از هم متفاوت می باشد. اندازه ی پوشانیدن لازمی برای مردان کم از کم از زیر ناف تا زانو و برای زنان تمام بدن به استثناء روی و دست تا بند ها می باشد ولی اگر آنان بخواهند، میتوانند این دو قسمت را نیز بپوشانند. بعضی دانشمندان اسلامی تاکید دارند که پوشانیدن دست و روی نیز از جمله حدود لازمی حجاب اند. باقی پنج معیار برای مردان و زنان یکسان است.

2 - لباس باید آزاد و کشاد باشد و نمایش دهنده ی شکل بدن نباشد.

3 - لباس نباید آنقدر شفاف باشد که بدن نمایان شود.

4 - لباس نباید آنقدر جذاب باشد که توجه جنس مخالف را جلب کند.

5 - لباس نباید به لباس جنس مخالف شباهت داشته باشد.

6 - لباس نباید به لباس کفار شبه باشد. یعنی لباسی نباید پوشیده شود که مشخصاً هویت و شاخص پیرو ادیان غیر اسلام باشد. (این مشخصه شامل پتلون، دریشی، نکتایی... نمی شود... مترجم.

### ۴. حجاب شامل سیرت و اخلاق است:

حجاب کامل بر علاوه شش مشخصه لباس شامل سلوک، رفتار، کردار، برخورد، اراده و نیت شخص نیز می باشد. شخصی که تنها معیارهای حجاب لباس را برآورده می سازد. حجاب را به صورت محدود رعایت کرده زیرا حجاب لباس باید با حجاب چشم، حجاب قلب، حجاب اندیشه و حجاب اراده و نیت همراه باشد. همچنان حجاب شامل طرز رفتار، گفتار و سلوک... یک شخص می باشد.

### ۵. حجاب از ادبیت شدن جلوگیری میکند

دلیل اینکه چرا حجاب برای زنان تجویز گردیده در آیت آتی سوره الاحزاب بیان شده است:

«ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مومن بگو: جلباب ها (روسری های بلند) خود را بر روی خویش فرو افکنند (هنگامیکه بیرون شوند) این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است. خداوند همواره آمرزنده ی رحیم است» {قرآن کریم ۳۳: ۵۹}

خداوند(ج) می فرماید حجاب به زنان بخاطری امر شده که من حیث زنان با حیا و فروتن شناخته شوند و این امر سبب می شود تا آزار و اذیت نشوند.

#### ۶. مثال خواهرهای دوگانگی

فرض کنید دو خواهر دوگانگی هستند، هر دو عین زیبایی دارند و در جاده یی قدم می زنند یکی از آنها با حجاب اسلامی ملبس است یعنی بجز روی و دستان او تا بندها، باقی تمام بدن او پوشیده است.

خواهر دیگر لباس غربی (شلوار کوتاه یا دامن کوتاه)<sup>۱</sup> برتن دارد. در نزدیکی ها یک ولگرد منتظر موقع است تا دختری را اذیت کند کدام یکی را او اذیت خواهد کرد؟ دختری که با حجاب اسلامی ملبس است و یا دختری را که دامن کوتاه به تن دارد؟ طبعاً او همان دختری را اذیت می کند که دامن کوتاه پوشیده است. این نوع لباس ها دعوت غیرمستقیم جنس مخالف به آزار و اذیت کردن است. قرآن کریم این حقیقت را بسیار دقیق و زیبا بیان کرده که حجاب از اذیت شدن زنان جلوگیری می کند.

#### ۷. مجازات مرگ برای متجاوز

در شریعت اسلامی مردی که محکوم به تجاوز جنسی بالای زنی باشد، او مستلزم بریدن سر می گردد. اکثر مردم از این جمله ی تند متحیر می شوند و حتا بعضی ها می گویند که اسلام دین ظلم و بربریت است! من از صد ها مردم غیرمسلمان یک سوال ساده پرسیده ام – فرض کنید خدا نکند کسی به همسر، مادر، و یا خواهر شما تجاوز می کند، شما به حیث قاضی برگزیده می شوید و متجاوز نزد شما حاضر کرد می شود؛ چه جزایی به او صادر می کنید؟ همه گفتند که او را به قتل خواهیم رسانید و حتا بعضی ها گفتند که او را زیر شکنجه به قتل می رسانیم، از آنها می پرسیم: اگر کسی به همسر یا مادر شما تجاوز کند او را محکوم به مرگ می کنید، اما اگر کسی مرتکب عین جرم به دختر و یا همسر کسی دیگر شود می گوئید مجازات مرگ بربریت است! چرا یک بام و دو هوا؟

و اسلام برای کسی که علیه زنی تجاوز جنسی می کند و غیر متاهل باشد زدن صد دره و اگر متاهل باشد کشتن او را از طریق زدن سنگپاره ها یقین کرده است.

<sup>۱</sup> مراد نویسنده هر نوع لباس غربی است؛ پتلون/شلوار کوتاه و چسپ، دامن کوتاه، پیراهن بی آستین...

## ۸. جامعه غرب در بالا بردن وضع اجتماعی زنان ادعای کاذب دارد

ادعای غرب از آزادی زنان چیزی جز شکل تغییر یافته ی بهره برداری از بدن آنها، پست ساختن روح آنها، و محروم ساختن آنها از احترام نیست.

جامعه غرب ادعا دارد که زن را محترم ساخته اما در حقیقت بر خلاف، آنها زن را به حالت همخوابه، معشوقه و چروانه های جامعه مبدل ساخته و در جامعه ی آنها زنان محض بازیچه ی دست خوشگذارانان و دلالان بوده که در عقب پرده ی رنگین «هنر» و «رسوم» پنهان می باشد.

## ۹. ایالات متحده امریکا دارای بیشترین آمار تجاوز جنسی است

ایالات متحده امریکا یکی از جمله پیشرفته ترین کشورهای جهان محسوب می شود و همچنان کشوری است که دارای بیشترین آمار تجاوز جنسی می باشد. بنا بر گزارش FBI، در سال ۱۹۹۰ هر روز حد اوسط ۱۷۵۶ قضیه تجاوز جنسی در ایالات متحده صورت گرفته است.

بعد گزارش دیگر بیان نمود که روزانه ۱۹۰۰ قضیه ی تجاوز جنسی در ایالات متحده واقع می شد. احتمال دارد امریکایی ها به ارقام بیشتری در این اواخر دست یافته باشند.

فرض کنید حجاب اسلامی در امریکا مراعات شود. هنگامیکه یک مرد به طرف یک زن نگاه کند و مفکوره ی مزخرف و آلوده ای در ذهنش خطور کند نظر خود را فروافکند. همه زنان با حجاب اسلامی مزین باشند یعنی تمام بدن جز روی و دست ها تا بندها مسطور باشد و بعد از این اگر مردی مرتکب تجاوز شود، به اشد مجازات محکوم گردد. من از شما می پرسم! در چنین حالتی آیا آمار تجاوز در امریکا افزایش می یابد، ثابت باقی ماند و یا کاهش میابد؟

## ۱۰. تطبیق شریعت اسلامی آمار تجاوز جنسی را کاهش می دهد

بعد از اینکه شریعت اسلامی تطبیق شود نتایج و تاثیرات مثبت آن بسیار زود به مشاهده می رسد. اگر شریعت اسلامی در هر نقطه ی دنیا پیاده گردد، خواه امریکا باشد و یا اروپا، جامعه نفس راحتی محسوس خواهد کرد. حجاب زن را تحقیر نکرده بلکه به او عزت بخشیده، عفت و فروتنی او را حفظ می کند.

## آیا اسلام توسط شمشیر گسترش یافته؟

چطور اسلام دین صلح بوده می تواند در حالیکه بواسطه ی شمشیر گسترش یافته است؟

**جواب:** بعضی از افراد غیر مسلمان به این باور اند که اگر اسلام توسط قوه و زور منتشر نمی گردید، امروز میلیون ها پیرو نمی داشت. نکات زیرین این موضوع روشن می سازد که ترویج اسلام به هیچ وجه وابسته به زور شمشیر نبوده بلکه قوه ی اصلی آن حقانیت، دلیل و منطق است که سبب انتشار سریع اسلام گردید.

### ۱. اسلام یعنی صلح

اسلام از مصدر «سلام» مشتق شده که معنای «صلح و صفا» را ایفا می کند. همچنان اسلام به معنای تسلیم نمودن رضای خود به الله (ج) می باشد. بنا براین اسلام دین صلح و صمیمیت است که از تسلیم نمودن خواست خود به خواست خالق بزرگ که الله (ج) است، میسر می شود.

### ۲. بعضی اوقات برای تحکیم صلح به نیرو ضرورت است

تمام انسانهای روی زمین طرفدار موجودیت صلح و هم آهنگی نیستند. اشخاص زیادی وجود دارند که می خواهند اختلالات را بخاطر مفاد شخصی خود بوجود بیاورند از اینرو بعضی اوقات برای تحکیم صلح به نیرو ضرورت است. دقیقاً به همین دلیل است که ما پولیس داریم تا در مقابل جنایت کاران و عناصر ضد جامعه از قوه و نیرو برای حفظ صلح در منطقه استفاده کند. اسلام پیروان خود را به مجادله در جایی که ظلم و بیدادگری حکمفرما باشد، تشویق می کند. بعضی اوقات مجادله علیه ظلم و تجاوز، و وجود و استفاده از نیرو را واجب می سازد. ر اسلام قوه و فشار صرف در هنگام ترقی و ترویج صلح و عدالت بکار می رود.

### ۳. نظریه ی تاریخدان «دی لسی اولیری»

بهترین پاسخ به تصور سوء راجع به اینکه اسلام ذریعه شمشیر منتشر گردیده توسط تاریخدان برجسته دی لسی اولیری<sup>1</sup> داده شده:

«تاریخ این دروغ را که مسلمانان اسلام را بالای مناطق مفتوحه بواسطه ی شمشیر مسلط نموده اند بی نقاب می سازد. حقیقت این است که تاریخ نویسان این قضیه را با مهارت بسیار زیاد بافتند و در سراسر دنیا منتشر ساختند» {اسلام در چار راه<sup>۱</sup> صفحه ۸}

#### ۴. مسلمانان بالای هسپانیه ۸۰۰ سال تسلط داشتند

مسلمانان زمام امور هسپانیه را تقریباً برای ۸۰۰ سال در دست داشتند. مسلمانان در هسپانیه هیچ گاهی از قوه ی شمشیر برای برگرداندن مردم به اسلام استفاده نکردند و بعد ها جنگجویان صلیبی به هسپانیه آمده و مسلمانان را شکست دادند. در آن زمان یک فرد مسلمان هم وجود نداشت تا آشکارا آذان دهد.

#### ۵. ۱۴ میلیون عرب عیسوی قبطی اند

مسلمانان فرمانروایی سرزمین عربستان را از ۱۴۰۰ سال به این طرف در دست دارند. برای مدت کمی در آنجا انگلیس ها و بعد فرانسوی ها فرمانروایی کردند. با وجود آن ۱۴ میلیون عرب، عیسوی قبطی اند به عباره دیگر؛ نسل در نسل عیسوی. اگر مسلمانان از شمشیر استفاده می کردند هیچ عربی عیسوی باقی نمی ماند.

#### ۶. بیشتر از ۸۰٪ غیر مسلمان در هندوستان

مسلمانان بالای هندوستان تقریباً ۱۰۰۰ سال حکمروایی داشتند. اگر آنها می خواستند، توانایی برگردانیدن هم افراد غیر مسلمان هندوستان را به اسلام داشتند. امروز بیشتر از ۸۰٪ مجموع نفوس هندوستان را غیر مسلمانان تشلیل می دهند. این هندیان غیر مسلمان شاهد براین اند که اسلام توسط شمشیر منتشر نگردیده است.

#### ۷. اندونیزیا و مالیزیا

اندونیزیا کشوریست که بیشترین تعداد مسلمانان را در جهان دارا است. اکثر مردم کشور مالیزیا مسلمان هستند. کسی بگوید «کدام قوای مسلح مسلمانان به اندونیزیا و مالیزیا هجوم برده است؟»

#### ۸. سواحل شرقی افریقا

به همین نحو، اسلام در مناطق سواحل شرقی افریقا بسیار سریع منتشر گردید. اگر اسلام توسط شمشیر پخش شده باشد، کدام قوای مسلح مسلمانان در سواحل شرقی افریقا سرازیر شده؟

## ۹. توماس کارلایل

تاریخدان مشهور توماس کارلایل<sup>۱</sup>، در کتاب «قهرمانان و عبادت قهرمان»<sup>۲</sup> در رابطه به تصور سوء درباره ی گسترش اسلام توسط شمشیر می نویسد: «استعمال شمشیر حتمی است. اما در کدام موارد شمشیر را بر می دارید؟ هر مفکوره ی جدید در بدو پیدایش حتماً در یک اقلیت قرار گرفته و تنها در ذهن یک شخص وجودی داشته باشد. در تمام دنیا یک شخص به آن باور می داشته باشد و یک شخص درمقابل اشخاص زیادی قرار میگیرد و استفاده ی شمشیر برای منتشر ساختن نظریه او چندان موثر واقع نمی شود. بایبست شمشیر بردارید! اما اگر نظریه پر قدرت باشد به قدرت خود منتشر می شود.»

## ۱۰. دردین اجبار نیست

با کدام شمشیر اسلام منتشر گردیده؟ با وجود اینکه مسلمانان شمشیر داشتند اما برای انتشار اسلام از آن استفاده نمی توانستند زیرا خداوند(ج) می فرماید: «در قبول دین اکراهی نیست. زیرا راه راست از راه انحرافی، روشن شده است. {قرآنکریم ۲: ۲۵۶}

## ۱۱. شمشیر عقل و خرد

این شمشیر عقل و خرد است که سبب توسعه ی سریع اسلام شده است. شمشیری که افکار و قلب های مردم را تسخیر می کند. خداوند(ج) در سوره النحل آیت ۱۲۵ می فرماید: «باحکمت و اندرز نیکو، (همه) را به راه پروردگارت دعوت نما! و با آنها با روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن!»

## ۱۲. افزایش در ادیان جهان از سال ۱۹۳۴ تا ۱۹۴۸ م

یک مقاله در نشریه ی سالنامه ی ۱۹۸۶م (۱۳۶۵ ه ش) «ریدرز دایجست»<sup>۳</sup> احصاییه افزایش فیصدی ادیان بزرگ جهان را در نیم قرن از سال ۱۳۱۳-۱۳۶۳ ه ش به نشر رساند. همچنان این مقاله در مجله ی «حقیقت آشکار»<sup>۴</sup> به نشر رسید. اسلام با ۲۳۵٪ افزایش صدرنشین بود در حالیکه در عیسویت ۴۷٪ افزایش صورت گرفته بود. شما بگویید، کدام جنگ در این قرن واقع شد که میلیون ها غیرمسلمان به اسلام رو آورند؟

Thomas Carlyle<sup>1</sup>  
 Heroes and Hero worship<sup>2</sup>  
 Reader's Digest, Almanac.<sup>3</sup>  
 The Plain Truth.<sup>4</sup>

**۱۳. اسلام دین زود گسترش در امریکا و اروپا است**

یگانه دینی که امروز به سرعت تام در امریکا و اروپا رشد می کند اسلام است. آیا شمشیر جبر و ستم در غرب بالای مردم فشار می آورد تا به این پیمانہ ی وسیع اسلام می آورند؟

**۱۴. داکتر جوزف آدم پیارسن<sup>۱</sup>**

داکتر جوزف آدم پیارسن بسیار خوب می گوید «کسانیکه از این در هراسند که سلاح اتمی روزی در دست عرب ها خواهد افتاد، از دانستن این امر بی خبراند که بم اسلامی قبلا پرتاب شده و آن روزی پرتاب شد که محمد(ص) متولد گردید.»

## مسلمانان بنیادگرا و ترورست هستند

چرا اکثریت مسلمانان بنیادگرایان و ترورستان هستند؟

**جواب:** این سوال عموماً از مسلمانان بصورت مستقیم و غیر مستقیم در جریان بحث های دینی و بحث های امورات عمومی می شود. همواره شخصیت مسلمانان با اشکال مختلف در رسانه ها یکجا با معلومات فراوان غلط درباره ی اسلام و مسلمانان همراهی می شود. در حقیقت اینچنین معلومات غلط و تبلیغات سوء عموماً به تبعیض و واکنش خشونت آمیز علیه مسلمانان می انجامد. بطور مثال: مبارزه علیه مسلمانان در رسانه های امریکایی بعد از انفجار بم در اوکلاهوما رسانه ها این عمل را فوراً توطیه ی شرق میانه خواندند که بعدها مقصر یک سرباز قوای مسلح امریکا شناسایی شد.

بیا بید کلمات بنیادگرایی و تروریزم را تشریح کنیم:

### ۱. معنای کلمه ی بنیادگرا

بنیاد گرا یا بنیادی کسی است که پیرو و طرفدار اساسات، تعلیمات، اصول و گفته های است که او مقلد آن می باشد. کسیکه می خواهد داکتر خوب باشد باید اصول و بنیاد طبابت را بداند، از آن پیروی نموده و به آن عمل کند. به عبارت دیگر، او باید در رشته ی طبابت بنیادی باشد. کسیکه می خواهد ریاضی دان خوب باشد، ضروری است با اصول و بنیاد ریاضیات را بداند یعنی او باید در عرصه ی ریاضیات بنیادی باشد همچنان برای کسیکه می خواهد یک ساینس دان خوب باشد باید اساسات و بنیاد ساینس را بداند، و از آن پیروی نموده و به آن عمل کند و اوحتماً باید در رشته ی ساینس بنیادی باشد.

### ۲. همه بنیادگرایان یکسان نیستند

کسی نمی تواند همه بنیادگرایان را با یک برس رنگ آمیزی کند و نمی شود تمام بنیادگرایان را به خوب و یا بد صنف بندی کرد. صنف بندی هر بنیادگر مربوط به ساحه و فعالیت است که او در آن بنیادی است. یک دزد و یک غارتگر بنیادی ضرر به جامعه می رساند و از همین سبب ناپسند می باشد. در حالیکه یک داکتر بنیادی به جامعه مفید بوده و صاحب عزت و شرف والا می گردد.

### ۳. من افتخار دارم که یک مسلمان بنیادی هستم

من یک مسلمان بنیادی هستم و خداوند(ج) را شکر گزارم که اساسات اسلام را می دانم، از آن پیروی نموده و به آن عمل می کنم. مسلمانی حقیقی هیچ گاهی شرم ندارد که یک مسلمان بنیادی باشد. من

افتخار دارم که یک مسلمان بنیادی هستم زیرا می دانم که اصول و اساسات اسلام برای انسانیت و تمام جهان مفید است. هیچ اصل اسلام بر ضد نفع و به ضرر انسانها نیست. بسیاری از اشخاص لنگر سوء تفاهم را بالای اسلام می اندازند. شمار زیاد تعلیمات اسلام را غیر عادلانه و نادرست می پندارند. این امر در اثر معلومات غلط و ناکافی آنها در باره ی اسلام است. اگر کسی تعلیمات اسلام را با فکر روشن و عاری از تعصبات تحلیل کند، هیچ گاهی از این حقیقت چشم پوشی نمی تواند که دین اسلام مملو از منافع در هر دو سطح شخصی و اجتماعی می باشد.

#### ۴. معنای قاموسی کلمه ی بنیادگرا

نظر به فرهنگ لغات ویبستر «بنیادگرایی» شورشی امریکاییان مسیحی بود که در اوایل قرن ۲۰ ظهور کرد. این یک عکس العمل درمقابل نوگرایی (سازش دادن عقاید قدیم با افکار جدید) بود و بالای عصمت انجیل تاکید نمود؛ البته نه تنها در موضوع عقاید و معنویات بلکه آنها انجیل را منحیث یک اثر ادبی تاریخی از جانب خداوند می دانستند و به این عقیده بودند که انجیل کلام واقعی خداوند (ج) است. بنا برآن بنیاد گرایان کلمه ی است که دراصل برای گروهی از عیسویان استعمال می گردید که عقیده داشتند انجیل کلام کاملاً دقیق و حقیقی خداوند بدون خطا و اشتباهات است.

نظر به فرهنگ آکسفورد بنیادگرایی به معنای «حفظ شدید آیین دیرینه و یا اصول عقیده و گفته های یک دین، بخصوص اسلام.»

امروز هنگامیکه شخصی کلمه ی بنیادگرا را می شنود فوراً درذهنش تصویر یک مسلمان وحشت افکن (تروریست) ظهور می کند.

#### ۵. هر مسلمان باید تروریست باشد

هر مسلمان باید تروریست باشد. تروریست کسی است که باعث ترس شود. هنگامیکه یک دزد پولیسی را می بیند وحشت زده می شود، پس پولیس برای دزد تروریست است. به همین نحو هر مسلمان باید برای عناصر ضد جامعه چون دزد، رهن، زناکار... تروریست باشد. هر زمانی که چنین عناصر جامعه ستیز مسلمانی را ببینند، باید بهراسند.

کلمه «تروریست» عموماً به کسی استعمال می شود که در بین افراد عام وحشت می اندازد؛ لیکن مسلمان حقیقی تنها باید به عده ی خاصی از مردم تروریست باشد یعنی تنها و تنها برای عناصر جامعه ستیز نه برای افراد عام؛ درحقیقت یک مسلمان باید منبع ی صلح و امنیت برای اشخاص معصوم و بی ضرر باشد.

#### ۶. لقب های مختلف به عین اشخاص برای عین عمل داده می شود مثل «تروریست» و «وطن پرست»

قبل از اینکه هندوستان آزادی خود را از حکومت انگلیس بدست بیاورد، بعضی آزادی خواهان هندوستان که به محو خشونت متعهد نشدند ملقب به تروریست از جانب حکومت انگلیس گردیدند. عین اشخاص برای عین اعمال از جانب هندوها تمجید شده و ملقب به وطن پرست گردیدند. پس دو لقب مختلف به عین شخص برای اجرای عین عمل داده شده؛ یک گروه از آن بنام تروریست یاد می کند در حالیکه گروه دیگر از او ستایش کرده و او را بنام وطن پرست یاد می کند. کسانی که به این باور بودند که بریتانیا حق داشت بالای هندوستان حکومت کند این اشخاص را تروریست می خواندند در حالیکه کسانی دیگری که فکر می کردند بریتانیا حق نداشت بالای هندوستان حکمروایی کند آنها را وطن پرست و آزادی خواه می خوانند.

بنا بر این مهم است تا قبل از اینکه کسی قضاوت شود. از او بازرسی عادلانه صورت گیرد؛ به هر دو جانب قضیه گوش داده شود، حالات تحلیل شود، دلیل و قصد شخص شرح شود و بعد از آن بالای شخص قضاوت صورت گیرد.

#### ۷. اسلام یعنی صلح

اسلام از کلمه ی سلام که به معنای «صلح» است مشتق شده. اسلام دین صلح است و اصول آن پیروان خود را می آموزد تا در سراسر جهان صلح را مستحکم ساخته و آنرا توسعه دهند.

پس باید هر مسلمان بنیادی باشد به عبارت دیگر او باید از اساسات دین صلح (اسلام) و عدالت را در جامعه پیاده سازد.

## خوردن گوشت حیوانات

کشتن حیوانات یک عمل ظالمانه است پس چرا مسلمانان از گوشت حیوانات خود را تغذیه می کنند؟

**جواب:** در این اواخر سبزی خواری قدم جدیدی است در سراسر جهان که حتا بعضی ها آنرا به حقوق حیوانات پیوند می دهند. در حقیقت، عده ی زیاد مردم مصرف گوشت و غیره تولیدات غیر سبزی ها را نقض حقوق حیوانات می پندارند.

اسلام به رحم و دلسوزی بالای تمام موجودات زنده امر می کند و درعین حال اسلام مدعی است که الله (ج) تمام زمین و کلیه گیاهان و جانورا شگفت انگیز آن را برای استفاده و منفعت بشریت خلق کرده و بر بشریت است تا از هر منبع روی زمین درست و خردمندانه، به حیث نعمت و امانت الله تعالی استفاده کند.

بیابید تا به جنبه های دیگر این بحث نظر بیاندازیم:

### ۱. یک مسلمان می تواند کاملا سبزی خوار باشد

یک مسلمان می تواند مسلمان بسیار خوب باشد در حالیکه کاملا از سبزی ها استفاده کند به این معنا که مصرف گوشت حیوانات بالای مسلمانان اجباری نیست.

### ۲. قرآنکریم خوردن گوشت حیوانات را جواز می دهد

قرآنکریم مصرف گوشت حیوانات را به مسلمانان جایز دانسته، آیات زیر برای مشروعیت آن دلالت دارد:

«ای کسانی که ایمان آورده اید! به پیمان های تان وفا کنید! چهار پایان برای شما حلال شده است؛ مگر آنچه بر شما استثنا کرده خواهد شد» { قرآنکریم ۵: ۱}

« وچار پایان را آفرید؛ درحالی که در آن ها برای شما وسیله ی پوشش و منافع دیگری است؛ واز گوشت آنها می خورید!» { قرآنکریم ۱۶: ۵}

« وبرای شما در چارپایان عبرتی است؛ از آنچه در درون آنهاست (از شیر) شما را سیراب می کنیم؛ و برای شما در آنها منافع بسیاری است؛ و از گوشت آنها می خورید!» { قرآنکریم ۲۳: ۲۱}

### ۳. گوشت مغذی و منبع سرشار پروتین کامل است

گوشت منبع خوب پروتین عالی بوده و از دیدگاه بیولوژیکی دارای پروتین کامل می باشد به عبارت دیگر باید تمام ۸ نوع امینواسید ضروری که توسط بدن ترکیب نمی شوند، در برنامه ی غذایی روزانه تهیه شوند. همچنان در ترکیب گوشت آهن، ویتامین B<sub>1</sub> و نیاسین شامل اند.

### ۴. انسانها دندان های Omnivorous (همه چیز خوار) دارند

اگر دندان های حیوانات علف خوار مانند گاو، بز و گوسفند را ملاحظه کنیم، چیزی برجسته ی مشابهی در همه ی این ها به مشاهده می رسد. همه این حیوانات مجموعه ی دندان ها همواری دارند که مناسب برای علف خواری اند و اگر دندان های حیوانات گوشتخوار مانند شیر، پلنگ و ببر را ملاحظه کنیم، بر خلاف در میابیم که این ها دارای دندان های تیز اند که مخصوص گوشت خواری می باشد.

اگر مجموعه ی دندانهای انسان را ملاحظه کنیم، می بینیم که انسان دارای دندان های هموار و تیز اند؛ از این لحاظ همه چیز خوار هستند. پس اگر خداوند متعال می خواست که انسان تنها از سبزی ها استفاده کند؛ چرا برای ما دندان های تیز عطا کرده؟ امر منطقی است که خداوند(ج) پیش بین ضرورت و مصرف ما به سبزی ها و گوشت بود.

### ۵. انسانها قابلیت هضم هر دو نوع غذاها را دارند

سیستم هاضمه ی علف خواران تنها قابلیت هضم سبزی ها را دارد و بر خلاف سیستم هاضمه ی گوشت خواران تنها قابلیت هضم گوشت را داراست. اما سیستم هاضمه ی انسان قابلیت هضم هر دو نوع غذا (سبزی ها و گوشت) را داراست. اگر خداوند متعال می خواست که انسان ها تنها از سبزی ها استفاده کنند پس چرا برای ما سیستم هاضمه ی عطا کرده که هر دو نوع غذا را هضم کرده بتوانیم؟

### ۶. کتاب های مقدس هندوها خوردن گوشت را جواز میدهند

الف) تعداد زیادی از هندوها کاملا سبزی خوار هستند. آن ها به این باور اند که مصرف گوشت در مغایرت با دین هندویزم قرار دارد. لیکن حقیقی این است که کتاب های مقدس هندوها خوردن گوشت را جایز می دانند. در کتاب های مقدس هندوها تذکر داده شده که حکما و روحانیون هندو از گوشت استفاده می کردند.

ب) در فصل ۵ اشلوک ۳۰ منوسمروتی<sup>۱</sup> تذکر داده شده:

«آن مصرف کننده ی که گوشت آن حیواناتی را صرف می کند که برای خوردن خلق شده، کاربدی نمی کند اگر چه هر روز استفاده کند، زیرا خداوند بعضی مصرف شوند ها و بعضی مصرف کنند ها خلق کرده است.»

ج) و در آیت بعدی منوسمروتی اینچنین آمده:

«خوردن گوشت قربانی درست است زیرا مطابق گفته های قوانین خداها شناخته شده است.»

د) بعد تر باز هم در اشلوک ۳۹ و ۴۰ بیان شده:

«خداوند خودش حیوانات مستلزم فداکاری برای قربانی خلق کرده، ... بنا بر این ذبح در قربانی کشتار محسوب نمی شود.»

ه) ( مهابهارت انوشاشن پروافصل ۸۸ گفتگوبین درم راج یوذشترا و پتامه بشما در باره ی اینکه کدام غذا به پترس (نیاکان) درجریان شردها (مراسم فاتحه) پیشکش شود تا آنها را راضی نگهدارد، بیان می کند:

یوذشترا گفت: «ای صاحب قدرت عظیم! بگو کدام چیز است که اگر به نیاکان متوفا وقف شود پایان ناپذیر باشد، ختم نشود و وجود آن همیشه باقی بماند؟»

بشماگفت: « بشنو یوذشترا در مراسم شردها چیزهای را که مردم پیشکش می کنند: (اگر) کنجد، برنج، جو، ماشا، آب، سبزیهای ریشه یی و میوه پیشکش شود. ای پادشاه! پترس (نیاکان) به مدت کوتاه خشنود باقی می مانند. اگر در مراسم شردها ماهی پیشکش شود، پترس به مدت دو ماه خشنود باقی میمانند. با گوشت گوسفند به مدت سه ماه، با گوشت خرگوش به مدت چهار ماه، با گوشت بز به مدت پنج ماه، با گوشت خوک به مدت شش ماه، با گوشت پرند گان به مدت هفت ماه، با گوشتی از آهو پرشاتا حاصل می شود به مدت هشت ماه و با گوشت که از آهوی رورو حاصل می شود به مدت نه ماه، با گوشت گویا به مدت ده ماه، با گوشت گاومیش به مدت یازده ماه و با گوشت گاو یکسال مکمل رضایت آنها حاصل میشود. پیاسا مخلوط با روغن به اندازه ی گوشت گاو نزد پترس مقبول است. با گوشت وادریناسا (گاو بزرگ) رضایت نیاکان برای مدت دوازده سال حاصل می شود. اگر گوشت کرگردن به روایت

<sup>1</sup> نام یکی از کتاب های قوانین اهل هنود

سال قمری در روز وفات پترس اهدا شود پایان ناپذیر می شود. سبزی های معطر خوراکی به نام کلاسکا، گلبرگ های گل کنچانو نیز گوشت بز سرخ اگر برای آنها اهدا شود پایدار میگردد.

پس اگر میخواهی نیاکان خود را برای همیشه راضی نگهداری باید با آنها گوشت بز سرخ وقف کنی.

#### ۷. دین هندویزم تحت نفوس ادیان دیگر قرار گرفته

با وجود اینکه کتاب های مقدس هندوها به پیروان خود اجازه ی خوردن گوشت میدهند بسیاری از هندوها روش مصرف کلی سبزی ها را پذیرفته اند زیرا آنها تحت نفوس ادیان دیگر مثل دین براهما بودا قرار گرفته اند.

#### ۸. نباتات هم زندگی دارند

برخی از ادیان به کلی استفاده از سبزی ها را به حیث قانون غذایی پذیرفته اند چون آنها کاملا بر خلاف قتل موجودات زنده اند.

اگر زنده گی بدون کشتن هیچ یکی از موجودات زنده ممکن باشد من اولین فردی خواهم بود که چنین طرز زنده گی را اختیار میکنم.

در گذشته تصویر می شد که نباتات زنده گی ندارند ولی امروز این امر یک حقیقت عمومی است که نباتات هم زنده گی دارند؛ بنابراین، استدلال آنها در از بین نبردن موجودات زنده حتا با وجود مصرف کامل نباتات هم برآورده نمی شود.

#### ۹. نباتات احساس درد میکنند

بحث دیگر اینکه نباتات درد احساس نمی کنند، از این سبب کشتن نباتات جرم کمتری نسبت به کشتن حیوانات می باشد. امروز ساینس ثابت ساخته است که حتا نباتات احساس درد میکنند. اما گریه نباتات توسط انسان ها قابل شنوایی نیست و این به علت ناتوانی گوش انسان است که صوت های خارج از محدوده شنوایی (کمتر از ۲۰ هرتز و بیشتر از ۲۰۰۰۰ هرتز) را درک نمی تواند و هر صوت پایینتر و بالاتر از این محدوده توسط گوش انسان شنیده نمی شود درحالیکه سگ ها تا ۴۰۰۰۰ هرتز را شنیده می توانند؛ از همین سبب صوت های صامت سگ ها که دارای فریکونسی بالاتر از ۲۰۰۰۰ و کمتر از ۴۰۰۰۰ هرتز اند تنها توسط سگ ها قابل درک می باشد. یعنی انسان ها از درک آن عاجز اند. سگ ها صوت صاحب خود را شناسایی می کنند و نزد صاحب خود می آیند.

در آیالات متحده امریکا تحقیق توسط یک دهقان صورت گرفت و در نتیجه او آله ی اختراع کرد که انعکاس دهنده ی گریه ی نباتات است. و انسان را قادر به شنیدن گریه نباتات می سازد. اله ی مذکور قادر به درک فوری گریه ی نباتات و نیاز آنها به آب است.

تحقیقات اخیر نشان میدهد که نباتات خوشحالی و اندوه را نیز درک مینمایند و همچنان می گریند.

(تیمی از دانشمندان آمریکایی دریافته اند که برخی از گیاهان استوایی فرکانس هایی مافوق صوت از خود صادر می کنند که به وسیله ی دستگاهای پیشرفته علمی ثبت شده است.

دانشمندان که حدود سه سال قبل به تحقیق و مطالعه این وضعیت حیرت آور پرداختن، دریافتند که این پالس های مافوق صوت به الکتریسته نوری تبدیل شده و بیش از صد مرتبه در ثانیه تکرار می شود. یک تیمی امریکایی این آزمایش را در برابر یک گروهی علمی در انگلیس انجام داده اند که در بین این گروه، یک دانشمند مسلمان هندی الاصل نیز قرار داشت. بعد از پنج روز آزمایش، گروه انگلیسی از این مسئله بسیار شگفت زده شدن ولی دانشمند مسلمان انگلیسی گفت: ما مسلمانان این مسئله در ۱۴۰۰ سال پیش تفسیر کرده ایم. دانشمند از این سخن وی بسیار حیرت زده شده اند و اصرار کردن که آنرا برای شان شرح دهد. دانشمند مسلمان این آیه قرآن را قرائت کرد «و هیچ موجودی نیست جز آنکه او را به پاکی می ستاید ولی شما ذکر تسبیح شان را نمی فهمید. او بردبار و آمرزنده است.»

زمانی که اسم الله (ج) بلند شد، پالس های مافوق صوت به الکتریسته نوری تبدیل و به روی مانیتور ها ظاهر گشت.

پروفسور «ویلیام براون» مسول این تیمی تحقیقاتی با این دانشمند مسلمان برای شناخت دین اسلام به گفتگو پرداخت و دانشمند مسلمان برای وی دین اسلام را تشریح کرده و یک جلد قرآن مجید به همراهی تفسیر آن به زبان انگلیسی را به وی اعطا کرد. براون شهادتین را گفت و مسلمان شد. مترجم)

#### ۱۰. قتل موجود زنده ی که دو حس کمتر دارد گناه کمتری نیست

یکی از مصرف کنندگان نباتات قضیه را طوری مطرح کرد که نباتات تنها دو ویا سه حس دارند در حالیکه حیوانات پنج حس دارند. از این لحاظ کشتن نباتات گناه کمتری نسبت به کشتن حیوانات محسوب می شود.

تصور کنید برادر شما کر و گنگ تولد می شود و با مقایسه به انسان های دیگر دو حس کمتر دارد. او به حد بلوغ می رسد و کسی او را به قتل می رساند، چون برادر شما دو حس نسبت به اشخاص دیگر

کمتر دارد، آیا شما برای قاتل تقاضای جزای کمتری از محکمه می کنید؟ در حقیقت شما می گوید که او یک معصوم و یک انسان بی گناه را به قتل رسانیده و از قاضی می خواهید تا قاتل را به جزای سنگینتر محکوم نماید.

خداوند(ج) می فرماید: «ای مردم از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید» {قرآنکریم ۱۶۸:۲}

#### ۱۱. تجاوز نفوس گله ها

اگر تمام انسانها از نباتات و سبزی ها استفاده کنند، این امر منجر به تجاوز نفوس گله ها در روی زمین می شود زیرا تکثیر و افزایش در حیوانات خیلی ها سریع است. خداوند(ج) با حکمت خدایی خودمی داند تا چطور توازن مخلوقات خود را به درستی نگهدارد. جای تعجب نیست که خداوند(ج) خوردن گوشت گله ها را جواز داده است.

#### ۱۲. فایده ی سبزی خواری

اگر کسی کاملاً سبزی خوار باشد کراهت ندارد اما او نباید مصرف کنندگان گوشت را ظالم قلمداد کند. یک حقیقت جالب اینکه اگر همه ی هندی ها از گوشت استفاده کنند، استفاده کنندگان حاضر گوشت ضرر می کنند زیرا قیمت افزایش میابد.

## طریقه ی اسلامی ذبح حیوانات ظالمانه به نظر می رسد

چرا مسلمانان حیوانات را به طریقه ی ظالمانه و با شکنجه، به آهستگی وبا درد ذبح می کنند؟

**جواب:** طریقه ی اسلامی کشتن حیوانات که ذبیحه گفته می شود، موضوع قابل انتقاد نزد تعداد زیاد اشخاص قرار گرفته است.

با دقت به نکات ذیل ثابت می شودکه طریقه ی ذبح اسلامی نه تنها طریقه ی مهربای و انسانی است بلکه موافق اصول علمی نیز می باشد:

### ۱. طریقه ی اسلامی ذبح حیوانات

ذکیتم فعلی است که از ریشه ی لغت ذکوة که به معنای پاک کردن است و مصدر آن تذکیه که به معنای تطهیر و پاکسازی است اشتقاق یافته. طریقه اسلامی ذبح حیوانات باید مطابق شرایط زیر باشد:

▪ حیوان باید با وسیله بسیار تیز (کارد یا چاقو) ذبح شود

حیوان باید با یک وسیله ی تیز مانند کارد یا چاقو ذبح شود و عمل ذبح بسیار سریع صورت گیرد تا درد کشتار به حد ممکن کاهش یابد.

▪ نای، گلو و رگ های گردنه قطع گردند

ذبیحة کلمه ی عربی بوده که به معنای کشته شده است. درکشتار باید گلو، نای (لوله ی هوا) و رگ های خون از قسمت گردن قسمی بریده شوند که سبب مرگ حیوان شود بدون اینکه نخاع شوکی قطع گردد.

▪ خون حیوان باید کاملاً از بدن بریزد

قبل از اینکه سر حیوان از بدن او دور شود باید خون کاملاً بیرون بریزد. مقصد اینست که قسمت زیاد خون که محیط خوب پرورش میکروب ها و باکتری ها است از وجود حیوان خارج شود و نخاع شوکی نباید قطع گردد زیرا رشته های اعصاب قلب ممکن در جریان این پروسه از بین رفته و سبب توقف حرکات قلبی شود که در نتیجه خون در رگ ها باقی بماند.

### ۲. خون محیط خوب برای رشد میکروب ها و باکتریها است

خون وسیله خوب رشد میکروب ها، باکتریها، زهریات... می باشد. از همین سبب طریقه ی ذبح اسلامی بیشتر صحی است زیرا مقدار زیاد خون حاوی میکروبها، باکتریها، زهریات و غیره که منجر به مبتلا شدن امراض گوناگون می گردد از بدن حیوان زدوده می شود.

### ۳. گوشت زمان بیشتر تازه باقی می ماند

گوشت حیوانی که به طریقه ی اسلامی ذبح می شود برای زمان بیشتری بنا بر نکس خون موجود در گوشت نسبت به دیگر طریقه های کشتار تازه باقی می ماند.

### ۴. حیوان احساس درد نمی کند

بریدن سریع رگ های گردن جریان خون عصب مغز را قطع می کند که مسوول درد در وجود حیوانات است و از همین سبب حیوان درد احساس نمی کند. همگام مرگ حیوان کشمکش می کند، پیچ و تاب می خورد، می لرزد و لگد می زند؛ البته نه از سبب شدت درد بلکه از سبب انقباض و آرامش عضلات خالی از خون و خارج شدن خون از بدن حیوان.

## مصرف گوشت مسلمانان را ظالم می سازد

از تجارب ساینس هویدا شده که غذا های که به مصرف می رسند بالای رویه و سلوک اشخاص تاثیر می گذارند. پس چرا اسلام به مسلمانان اجازه می دهد تا از گوشت حیوانات استفاده کنند زیرا خوردن گوشت افراد را ظالم و وحشی می سازد؟

**جواب:**

### ۱. تنها خوردن گوشت بعضی حیوانات علف خوار جواز دارد

میدانیم غذاها بالای رفتار اشخاص تاثیر دارد یکی از دلایل همین است که اسلامی مصرف گوشت حیوانات گوشت خوار مانند شیر، پلنگ، ببر و غیره را تند و وحشی اند ممنوع قرار داده. مصرف گوشت چنین حیوانات واقعا انسان را ظالم و درنده خو می سازد.

اسلامی تنها خوردن گوشت حیوانات علف خوار مانند گاو، بز، گوسفند و غیره را که رام، مطیع و صلح دوست اند جواز میدهد. مسلمانان از گوشت حیوانات صلح دوست و آرام استفاده می کنند چون مسلمانان خود صلح دوست و بر ضد خشونت هستند.

### ۲. خداوند(ج) می فرماید: پیغمبر(ص) از چیز های بد منع میکند

«همانا که پیامبر آنها را به معروف دستور میدهد و از منکر باز میدارد؛ اشیای پاکیزه را برای آنها حلال می شمارد و ناپاکی ها را تحریم می کند و بارهای سنگین و زنجیر هایی را که بر آنها بود، (از دوش و گردن شان) بر میدارد» {قرآنکریم ۷: ۱۵۷}

و نیز می فرماید: «آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیریید (و اجرا کنید) و از آنچه نهی کرده خود داری کنید» {قرآنکریم ۷: ۵۹}

برای قانع ساختن یک مسلمان گفتار پیغمبر(ص) کافی است که فرموده اند:

خداوند(ج) نمی خواهد تا انسان بعضی انواع گوشت ها را بخورد در حالی که بعضی انواع دیگری آن را خورده می تواند.

### ۳. حدیث حضرت محمد(ص) در منع مصرف گوشت حیوانات گوشت خوار

نظر به احادیث متعدد نقل شده در صحیح بخاری و صحیح مسلم به شمول حدیث شرح شده از ابن عباس در صحیح مسلم، کتاب شکار و ذبح، حدیث شماره ۴۷۵۲ و سنن ابن ماجه فصل ۱۳ احادیث شماره ۳۲۳۲ تا ۳۲۳۴ حضرت محمد(ص) خوردن گوشت این حیوانات را ممنوع قرار داده اند:

- حیوانات وحشی با دندان های سگی<sup>۱</sup> یعنی حیوانات گوشت خوار که این حیوانات شامل فامیل پشک ها اند مانند شیر، پلنگ، پشک، سگ، گرگ، کفتار و غیره
- برخی از جانوران جوینده مانند موش صحرايي، موش خانگی، خرگوش های پنجال دار و غیره
- بعضی خزنده ها مانند مار، تمساح و غیره
- حیوانات شکاری پنجه وچنگال مانند کرکس، عقاب، شاهین، زاغ، جغد و غیره

تا هنوز هیچ مدرک علمی ثابت نساخته که بر اثر مصرف گوشت حیوانات صلح پسند در رویه انسانها خوی درنده ها ظاهر می شود.

<sup>۱</sup> وابسته به خانواده سگ canine teeth

## مسلمانان کعبه را پرستش میکنند

اگر اسلام دین است برضد بت پرستی، پس چرا مسلمانان در هنگام ادای نماز کعبه را تعظیم و پرستش می کنند؟

**جواب:** کعبه قبله ی مسلمانان است یعنی جهت است که مسلمانان در هنگام ادای فریضه نماز به آن رو میگردانند. این نقطه قابل تذکر است:

با وجود این که مسلمانان روی خود را هنگام ادای نماز به طرف کعبه میگردانند، کعبه را پرستش نمی کنند.

مسلمانان به جز الله یکتا و یگانه هیچ کسی و هیچ چیزی را تعظیم و پرستش نمی کنند.

خداوند(ج) در سوره بقره فرموده:

«نگاه های انتظار آمیز تورا به سوی آسمان (برای تعیین قبله ی نهایی) می بینیم!

اکنون ترا به سوی قبله یی که از آن خشنود باشی، باز میگردانیم. پس روی خود را به سوی مسجدالحرام کن! و هر جای که باشید روی خود را به سوی آن بگردانید.» {قرآنکریم ۲: ۱۴۴}

### ۱. اسلام به پرورش اتحاد تاکید دارد

به طوری مثال اگر مسلمانان بخواهد نماز ادا کنند، ممکن بعضی به طرف شمال و بعضی به طرف جنوب رو بگردانند. مسلمانان به منظور متحد بودن در عبادت خدایی حقیقی و یکتا در هر جایی که باشند به رو گردانیدن به یک جهت (به جهت کعبه شریف) امر شده اند پس مسلمانان که در غرب کعبه قرار دارند هنگام ادای نماز روی خود را به طرف شرق می گردانند به همین نحوه اگر در شرق قرار دارند روی خود را به طرف غرب میگردانند.

### ۲. کعبه در مرکز نقشه جهان واقع است

مسلمانان اولین کسانی بودن که نقشه جهان را ترسیم نمودند. آنها نقشه را طوری طراحی کردن که جنوب به طرف بالا و شمال به طرف پایین واقع گردیده بود و کعبه در مرکز قرار داشت. بعضی ها نقشه کشان غرب، نقشه را برعکس طراحی کردن یعنی شمال را به طرف بالا و جنوب را به طرف پایین ترسیم نمودند؛ الحمدلله باز هم کعبه در مرکز نقشه ی جهان قرار دارد.

**۳. طواف کعبه دلالت به وحدانیت خداوند(ج) دارد**

هنگامی که مسلمانان به مسجدالحرام در مکه میروند به دور کعبه طواف می کنند یعنی مسلمانان به دور یک نقطه گردش میکنند که آن نقطه خانه ی خداوند(ج) است و این عمل نشانه یی بر عقیده و عبادت خدای یکتا است. از آنجایی که هر دایره تنها یک مرکز دارد. نشان دهنده یی آن است که تنها یک خدا لایق پرستش است و آن الله واحد و یکتا است.

**۴. حدیث حضرت عمر فاروق(رض)**

راجع به سنگ سیاه (حجرالاسود) یک حدیث منسوب به صحابی برجسته، حضرت عمر فاروق(رض) به ما رسیده است.

حضرت عمر بن خطاب(رض) خطاب به سنگ سیاه فرمود:

«میدانم که تو یک سنگ هستی، نه به کسی نفع و نه ضرر رسانیده می توانی؛ اگر پیامبر(ص) را نمی دیدم که ترا لمس میکند و می بوسد، هرگز ترا لمس و بوسه نمی کردم.» {صحیح البخاری، جلد دوم کتاب حج، فصل ۵۶، حدیث شماره ۶۷۵}

**۵. مسلمانان بالای کعبه استاده آذان میدادند**

در زمان حیات حضرت محمد(ص) مسلمانان حتی بالای کعبه استاده و آذان میدادند. کسی از آنها ی که میگویند مسلمانان کعبه را پرستش میکنند بپرسید؛ کدام بت پرست بالای بت که پرستش میکند استاده می شود؟

## کافران در مکه داخل شده نمی توانند

چرا کافران در شهر های مقدس مکه و مدینه اجازه دخول ندارند؟

**جواب:** اینکه کافران در شهر های مقدس مکه و مدینه بصورت قانونی داخل شده نمی توانند؛ حقیقت دارد. نکات زیر در روشن ساختن دلایل در عقب این محدودیت موثر واقع می شود:

### ۱. تمام رعیت یک کشور در اردوگاه داخل شده نمی توانند

من یک تبعه کشور هندوستان استم. با وجود آن هم اجازه ندارم تا در بعضی منطقه ها مانند اردوگاه ها و غیره جاهای ممنوعه داخل شوم.

به عبارت دیگر صرف آن عده از افرادی که در اردو عضویت دارند و یا کسانی که وابسته به دفاع کشور هستن در اردوگاه داخل شده می توانند.

در هر کشور جاهای خاصی وجود دارد که عوام نمی تواند در آن داخل شود. مشابه به این، اسلام یک دین جهان شمول است که برای تمام جهان و جهانیان نازل گردیده. اردوگاه های اسلام دو شهر مقدس مکه و مدینه هستن و در این جا تنها کسانی که به اسلام عقیده دارند و در دفاع اسلام شریک اند، به عباره دیگر تنها مسلمانان به این محل ها داخل شده می توانند.

اگر یک شخص عام بر ضد محدودیت داخل شدن در اردوگاه اعتراض نماید کاملاً یک امر غیر منطقی است؛ همچنان برای یک غیر مسلمان درست نیست تا بر محدودیت داخل شدن در شهر های مقدس مکه و مدینه اعتراض نماید.

### ۲. ویژه ی داخل شدن در مکه و مدینه

**الف:** هنگامیکه شخصی اراده ی سفر به یک کشور خارجی میکند اول باید برای داخل شده به خاک آن کشور اجازه نامه (ویزه) درخواست کند.

هر کشور قوانین و مقررات خاصی برای صدور ویزه دارد و اگر معیار آنها برآورده نشود، اجازه دخول به آن کشور داده نمی شود.

**ب:** یکی از کشور های که در صدور ویزه سخت گیر است، ایالات متحده امریکا است؛ به خصوص وقتیکه ویزه به اتباع کشور های جهان سوم صادر شود. آنها شرایط و مقررات متعددی قبل از صدور ویزه دارند که باید برآورده شوند.

ج: هنگامیکه از سنگاپور مشاهده نمودم که در فورمه ی مهاجرت چنین نگاشته بودند: جزای قاچاقبران مواد مخدر مرگ است. پس اگر بخواهیم از سنگاپور دیدن نماییم باید به قوانین آن سازگاری کنیم. نمی توانیم بگوییم که مرگ کیفر بربریت و وحشت است. یعنی اجازه ی دخول آن کشور را وقتی دریافت خواهیم کرد که با تمام قوانین و مقررات آنها خود را عیار سازیم.

د: اولین شرط ضروری داخل شدن به شهرهای مقدس مکه و مدینه این است که به زبان گفته شود: «لااله الاالله محمدالرسول الله یعنی نیست هیچ معبود برحق مگر الله(ج) ومحمد(ص) پیغمبر اوست»

## تحریم خوردن گوشت خوک

چرا خوردن گوشت خوک در اسلام ممنوع است؟

**جواب:** حقیقت منع مصرف گوشت خوک در اسلام بسیار مشهور است و نکات زیر جنبه های مختلف ممنوعیت آن را تشریح میکند:

### ۱. منع خوردن گوشت خوک در قرآن کریم

منع خوردن گوشت خوک در چهار قسمت مختلف قرآن کریم ذکر شده است:

- سوره البقره آیت ۱۷۳
- سوره المائده آیت ۳
- سوره الانعام آیت ۱۴۵
- سوره النحل آیت ۱۱۵

«گوشت مردار، خون و گوشت خوک و حیوانات که به غیر از نام الله ذبح شوند بر شما حرام است...»  
{قرآن کریم ۵:۳}

آیت فوق از قرآن کریم برای یک مسلمان کافی است تا او را بر تحریم گوشت خوک قانع سازد.

### ۲. منع مصرف گوشت خوک در انجیل

اکثر عیسویان با کتاب معتقد میشوند و باید گفت که انجیل نیز مصرف گوشت خوک را ممنوع قرار داده؛ در کتاب لاویان<sup>۱</sup> آمده است:

«و خوک، با وجودیکه سم آن دو حصه است (پاشگافته است) با آن هم می جود و نشخوار نمی کند؛ او برای شما ناپاک است.»

«از گوشت آنها نباید بخورید و لاشه ی آنها را نباید لمس کنید، آنها برای شما حرام هستند.»  
{لاویان ۱۱:۷۸}

<sup>1</sup> Leviticus کتاب لاویان – کتاب سوم توریه (تورات)

همچنان مصرف گوشت خوک در کتاب تثئیه<sup>۱</sup> منع شده:

«خوگ را نباید بخورید، چون با اینکه سم شگافته دارد نشخوار نمی کند. و هم نباید لاشه ی آنها را لمس کنید.» { تثئیه ۱۴:۸ }

مشابه به این حکم منع مصرف گوشت خوک در کتاب اشعیاء<sup>۲</sup> ۶۵ آیات ۲-۵ ذکر شده.

### ۳. مصرف گوشت خوک سبب امراض گوناگون می گردد

برخی دیگر غیر مسلمانان و ملحدان صرف در صورتی موافقت می کنند که با ایشان توسط دلیل، منطق و ساینس پیشامد شود.

مصرف گوشت خوک کم از کم سبب هفتاد نوع مرض های مختلف می شود. شخص مصرف کننده ممکن به کرم های گوناگون از قبیل کرم گرد، کرم سنجاچی، کرم قلاب دار و غیره مبتلا شود. یکی از خطرناکترین نوع آنها تینیا سولیم است که در اصطلاح عام به کرم کدودانه مشهور است. این کرم در امعا بسر برده و بسیار طویل است. تخمک های آن داخل جریان خون شده و تقریباً در تمام اعضای بدن انتشار می یابد. اگر داخل مغز شود سبب از بین رفتن حافظه می گردد، اگر داخل قلب شود سبب حمله ی قلبی می گردد، اگر داخل چشم شود سبب نابینایی انسان می گردد، اگر داخل جگر شود شخص مصاب از آسیب های جگر رنج می برد و تقریباً تمام اعضای بدن را متضرر ساخته می تواند. کرم دیگر پر خطر روده تریشورا تیشوراسز است.

در مورد تغذیه گوشت خوک یک مفکوره ی سوء در اذهان عموم مردم وجود دارد و آن اینکه اگر گوشت خوک خوب پخته شود، تخمک ها می میرند اما پروژه ی تحقیقاتی یی که در امریکا براه انداخته شد نشان می دهد که از هر ۲۴ نفر مصاب به مرض کرم تریشورا تیشوراسز، ۲۲ تن آنها گوشت خوک را بسیار خوب پخته بودند. از این تجربه آشکارا گردید که تخمک های موجود در گوشت خوک تحت درجه حرارت عادی پخت و پز از بین نمی روند.

<sup>۱</sup> Deuteronomy کتاب تثئیه – کتاب دوم تورات (فرهنگ نارسیس و بیبیلون)

<sup>۲</sup> Isaiah کتاب اشعیاء بنی اسرائیل

#### ۴. گوشت خوک منبع فعال افزایش چربی اضافی در بدن است

گوشت خوک دارای مقدار بسیار کم مواد ساختمانی عضلات و مقدار بسیار زیاد چربی می باشد. این چربی در رگ ها ذخیره شده فشار خون و حملات قلبی را سبب می شود. جای تعجب نیست که بیشتر از ۵۰٪ امریکایی ها از بیماری فشار خون رنج می برند!

#### ۵. خوک از جمله کثیف ترین حیوانات روی زمین است

خوک یکی از پلیدترین حیوانات در روی زمین است که بالای کثافات، مدفوع و سرگین زندگی می کند و بدترین حیوان کثافت خوار در بین سایر مخلوقات خداوند(ج) است. در قریه ها و قصباتی که میرزهای عصری وجود ندارد و ساکنان محل مدفوع را در هوای آزاد دفع می کنند، اکثرا این مدفوع توسط خوک ها پاک شده واز بین می رود.

ممکن بعضی ها استدلال کنند که در کشورهای متری مانند استرالیا، خوک ها در جاهای پاک با امکانات بیشتر و با در نظر داشت حالات صحی بهتر پرورش می شوند ولی با وجود سهولت های صحی خوک ها در طویله ها با هم نگهداری می شوند. به هر اندازه که از ناپاکی آنها جلوگیری شود، سودی در بر ندارد زیرا خوک ها طبعا کثیف و پلید خلق شده اند. آنها از مدفوع خود و همسایگان خود می خورند واز این عمل لذت می برند.

#### ۶. خوک بی شرم ترین حیوانات است

خوک بی شرم ترین حیوان روی زمین است و یگانه حیوان است که از دوستان خود تقاضا می کند تا با جوره اش روابط جنسی داشته باشند. در امریکا اکثریت مردم از گوشت خوک استفاده می کنند و بارها اتفاق افتاده که بعد از محافل رقص و بازی، خانم های خود را عوض کرده و گفته اند «تو با همسر من برو و من با همسرتو».

امروز این یک حقیقت آشکار است که خوراکه ها بالای رویه ی انسان تاثیر دارند بناء اگر گوشت خوک خورده شود دور از حقیقت نخواهد بود که بگوییم مانند خوک عمل هم می شود!

## تحریم نوشیدن شراب

چرا در اسلام نوشیدن شراب ممنوع قرار داده شده؟

**جواب:** شراب منحيث بلای جامعه انسانی و وسیله بدبختی جامعه از زمانه های دیرین به اینسو شناخته شده و به قیمت جان ملیون ها انسان تمام سده است. شراب منبع اصلی بسیاری از مشکلات در جامعه است.

آمار بلند رفتن جرایم، بالا رفتن شواهد مرض های عثبی و وجود ملیون ها خانواده ی شکسته در سراسر دنیا به خاموشی گواه بر قدرت تباهاکار شراب می باشد.

### ۱. منع نوشیدن شراب در قرآنکریم

قرآن عظیم الشان نوشیدن شراب را در آیت زیر ممنوع قرار داده:

«ای کسانی که ایمان آورده اید! شراب، قمار، بت ها و ازلام (نوعی بخت آزمایی)، پلید واز عمل شیطان است، از آنها دوری کنید تا رستگار شوید!» {قرآنکریم: ۵: ۹۰}

### ۲. منع نوشیدن شراب در انجیل

انجیل نوشیدن شراب را در آت های زیر ممنوع قرار داده:

«شراب انسان را به کار های احمقانه وا می دارد و مشروب باعث عربده کشی می شود؛ چه احمقند کسانی که خود را اسیر مشروب می کنند.» {امثال ۲۰: ۱}

«وبا شراب مست نشوید» {نامه پولس به مسیحان افسس ۵<sup>2</sup>: ۱۸}

### ۳. شراب مرکز بازداشتی را از بروز احساسات باز می دارد

انسان ها دارای مرکز بروز احساسات در مغز خود هستند واین مرکز انسان را از اجرای کار های که در نظر او ناشایسته پنداشته می شوند باز می دارد. به گونه مثال یک شخص در حالت عادی از زبان بد در مقابل والدین و بزرگ سالان کار نمی گیرد و اگر او به رفع حاجت نیاز داشته باشد، مرکز بازداشتی او را از اجرای چنین عملی در محضر عام باز داشته از همین سبب از بیت الخلا استفاده می کند.

هنگامیکه شراب نوشیده می شود، مرکز بازداشتی خود بازداشت می شود و از فعالیت باز می ماند. دقیقاً همین دلیل است که شخص مخمور اکثراً در حالت افراط دیده شده و کاملاً غیرمعمول به نظر می رسد. به گونه ی مثال شخص مست کلمات ناشایسته، ناگوار و شنیع به زبان می آورد و به اشتباهات خود پی نمی برد. حتی اگر با والدین خود مخاطب باشد. بعضی ها در لباس خود قضای حاجت می کنند، نه درست صحبت می کنند و نه درست گام برمی دارند، بد رفتاری نیز می کنند تا آنجا که کار های دور از ادب را هم مرتکب می شوند.

#### ۴. زنا با محصنه ها، تجاوز جنسی، زنا با محارم و ایدز در بین اشخاص شرابی بیشتر بچشم میرسد

به نقل از گزارش دفتر بررسی قربانیان جرایم ملی سارنوالی ایالات متحده در سال ۱۹۹۶ روزانه به طور اوسط ۲۷۱۳ قضیه ی تجاوز صورت گرفته است. احصائیه متذکره نشان می دهد که اکثریت متجاوزان جنسی هنگام ارتکاب جرم مست بوده اند در حالیکه همین حقیقت در موارد اذیت و آزار هم دیده شده.

نظر به احصائیه ۸٪ امریکائیان مرتکب زنا با محارم می شوند به عباره ی دیگر در هر ۱۲ با ۱۳ نفر در ایالات متحده یک نفر گرفتار زنا با نزدیکان خود است و اکثراً عمل زنا با محرمان در حالی صورت می گیرد که یک و یا دو طرف قضیه مست می باشند.

همچنان یکی از عوامل عمده ی ایدز که از جمله مدهشترین مرض ها است اعتیاد به نوشیدن شراب است.

#### ۵. هر شرابی در ابتدا یک دو بار نوشیده

بعضی اشخاص به طرفداری از نوشیدن شراب می گویند که آنها صرف در بعضی مواقع می نوشند و آن هم به اندازه کم - یک و یا دو پیمانه - و خود را کاملاً اداره کرده، هیچ گاهی مست نمی شوند. در اوایل هیچ شرابی بی به منظور اینکه در آینده شرابی و میخوار دائمی شود، به نوشیدن شراب آغاز نمی کند. هیچ یک از شرابی ها نمی توانند ادعا کنند که سالیان متمادی شراب نوشیده اند و بالای خود آنقدر اعتماد و اداره داشته اند که هیچگاهی حتی یکبار هم مست نگردیده باشند!

۶. اگر شخصی صرف یکبار مست شود و مرتکب یک عمل ننگین شود، شرم او را تا آخر عمر همراهی می کند

فرض کنید یک میخواری که ادعا دارد گاه گاه می نوشد اداره ی خود را صرف یک بار از دست دهد و در حال مستی مرتکب زنا و یا تجاوز به محرمان خود گردد؛ اگر بعد تر از عمل خود پشیمان هم شود، خطای خود را قسماً در تمام عمر بیاد می داشته باشد. به هر دو طرف قضیه، هم به مرتکب جرم و هم به قربانی جرم خساره ی جبران ناپذیر و فراموش نشدنی وارد می شود.

#### ۷. تحریم نوشیدن شراب در احادیث شریف

پیغمبر اسلام حضرت محمد(ص) فرموده اند:

▪ «شراب مادر تمام بدی ها است و از همه بدی ها ننگین تر است.»

{سنن ابن ماجه جلد ۳ کتاب مسکرات، فصل ۳۰ حدیث شماره ۳۳۷۱}

▪ «هر آن چیزیکه پیمانه ی زیادآن مست می سازد (حرام است)، پیمانه ی کم آن نیز حرام است.»

{سنن ابن ماجه جلد ۳، کتاب مسکرات، فصل ۳۰ حدیث شماره ۳۳۹۲}

پس هیچ عذری در چشیدن و یا نوشیدن زیاد شراب وجود ندارد.

▪ نه تنها کسانی که شراب می نوشند لعنت شده اند بلکه هر آن کسیکه با آن به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم معامله دارد لعین است.

در سنن ابن ماجه جلد سوم، کتاب مسکرات، فصل ۳۰ حدیث شماره ی ۳۳۸۰ چنین آمده:

از انس ابن مالک(رض) روایت است که پیغمبر(ص) فرمودند: «لعنت خداوند(ج) شامل حال ۱۰ طبقه مردم است که با شراب به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم سروکار دارند:

آنکه شراب می سازد، برای کسیکه ساخته می شود، کسیکه آن را می نوشد، کسیکه آنرا حمل می کند، برای کسیکه آورده می شود، کسیکه آنرا توزیع میکند، کسیکه آنرا به فروش میرساند، کسیکه از آن پول بدست می آورد، کسیکه آنرا میخرد و کسیکه آنرا برای کسی دیگری میخرد.

#### ۸. مرض های که از نوشیدن شراب بروز میکنند

دلیل های زیادی علمی برای منع نوشیدن شراب وجود دارد و نیز باید یاد آور شد که بزرگترین عامل مرگ و میردر جهان ناشی از نوشیدن شراب است. سالانه ملیون ها نفر از نوشیدن شراب از بین میروند. در این جا ضرور نمی دانیم که بالای تمام جزئیات مرض ها و تاثیرات سوء شراب بحث کنیم

زیرا اکثریت آنها عموماً شناخته شده اند. درپائین فهرست خلاصه ی چند مرض مرتبط با شراب نوشی را بیان می کنیم:

1. سیروز جگر یکی از امراضی است که ارتباط آن با مصرف الکل کاملاً آشکار گردیده است.
2. سرطان مری، سرطان رأس و عنق، سرطان کبد و سرطان امعا و سایر سرطان ها نیز با مصرف الکل ارتباط دارند.
3. التهاب مری، التهاب معده، التهاب پانکراس و التهاب کب با مصرف الکل ارتباط دارند.
4. Cardiomyopathy (امراض قلبی با منشاء نا معلوم) ، فرط فشار خون، تصلب شرایین اکلیلی، خناق صدری و حملات قلبی با مصرف شدید الکل ارتباط دارند.
5. سکنه مغزی، اپوپلکسی، حملات (fits) و انواع مختلف فلج با مصرف الکل ارتباط دارند.
6. نیوروپتی محیطی، Cortical Atrophy, Cerebellar Atrophy از جمله سندرم های شناخته شده ای اند که به اثر مصرف الکل بوجود می آیند.
7. Wernicke-Korsakoff syndrome توام با فراموشی حوادث اخیر خیانت و صحبت درمورد حوادث گذشته های دور همراه با انواع فلج عمدتاً بر اثر فقدان Thiamine می باشد که فقدان Thiamine در اثر مصرف شدید الکل ایجاد می گردد.
8. Beriberi و فقدان بعضی ویتامین های دیگر در نزد اشخاص الکولی ایجاد می شوند وحتا واقعات Pellagra نیز در آنها دیده شده است.
9. Delirium Tremens یک اختلاط جدی و خطرناکی است که در اثنای التهاب نکس کننده ویا بعد از عملیات درنزد افراد الکولی ایجاد می شود. همچنان این حالت در هنگام ترک مصرف الکل به مشاهده می رسد.
10. تشوشات متعدد غدوات افراز داخلی با شراب نوشی ارتباط دارند که از Myxedema تا به فرط افراز غده تایراید و Florid Cushing Syndrome فرق می نماید.
11. تاثیرات سوء الکل بالای خون طولانی و متنوع است. به هر حال فقدان فولیک اسید از جمله معمول ترین تظاهر سوء استفاده از الکل است که منجر به کمخونی نوع Macrocytic میگردد. Sieve' syndrome عبارت از یکجا بودن Hemolytic Anemia، زردی و Hyperlipoidemia می باشد که به دنبال می گساری های شدید ایجاد می شود.
12. Thrombocytopenia (کاهش صفحات دمویه) و سایر تشوشات صفحات دمویه در نزد افراد شرابی نیز دیده شده است.

- 13 . تابلیت Metronidazole که عموماً بیشتر مورد استفاده خانواده ها قرار میگیرد با شراب تعامل شدید زیان آور خواهد داشت.
- 14 . نکس التهابات نزد اشخاص شرابی بسیار عام می باشد و باید گفت که نوشیدن شراب باعث کاهش مقاومت بدن در مقابل امراض می گردد.
- 15 . انتانات صدی در نزد افراد شرابی عمومیت دارد. نمونیا، آبسه ریه، Emphysema و توبرکلوز ریوی همه در نزد افراد شرابی معمول می باشند.
- 16 . در اثنای تسمم حاد با شراب، شخص معمولاً استفراغ می نماید و عکسه های سرفه که رول محافظوی دارند، فلج می شوند. مواد استفراغ شده به این ترتیب به سادگی داخل ریه ها شده باعث نمونیا و آبسه ریه می گردد. گاهی حتی این حالت باعث خفقان و مرگ شده می تواند.
- 17 . تاثیرات سوء شراب بالای خانم ها شایان توجه ویژه ای می باشد. خانم ها نسبت به مردها بیشتر آسیب پذیر شدید و زیان آوری بالای جنین دارد. Foetal alcohol syndrome در این اواخر بیشتر شناخته شده است.
- 18 . بعضی امراض جلدی نیز در اثر استفاده شراب ایجاد می شوند.
- 19 . Alopecia, Eczema, (کلی)، Dystrophy (سوء شکل) ناخن ها، Paronychia (التهاب کنار ناخن ها) و التهاب زوایای دهن از جمله امراض شایع بین اشخاص شرابی می باشد.

#### ۹. شراب نوشی یک نوع مرض است

امروز داکتران در باره ی شرابی ها فکر روشنتر دارند و شراب نوشی را بیشتر یک نوع مریضی می شمارند نه اعتیاد.

بنیاد تحقیقات اسلامی یک جزوه ی تحت عنوان «آیا شراب نوشی مرض است؟» به نشر رسانیده که در آن نگاشته شده:

« اگر شراب نوشی مرض است، پس یگانه مرضی است که:

- در بوتل ها فروخته می شود.
- در روز نامه ها، مجله ها، رادیو و تلوزیون اعلان میشود.
- مرکز های مجوز برای پخش آن موجود است.

- تولیدات آن عاید برای دولت است.
- سبب مرگ در شاهراه ها می گردد.
- زندگی خانوادگی را تباه ساخته و جرایم را افزایش می بخشد.
- هیچ نوع علت ویروسی و میکروبی ندارد.»

#### ۱۰. شراب نوشی مرض نیست - کاردستی شیطان است

خداوند متعال با حکمت بیکران خود ما انسان ها را در برابر دام های شیطان هشدار داده، اسلام بنام «دین فطرت» یعنی دین طبیعی انسان می باشد. شراب نوشی سبب انحراف حالت طبیعی افراد و جامعه می گردد و حتا انسان را به درجه ی پایین تر از حیوانیت می کشاند که انسان ادعای مافوق بودن آنرا دارد. از همین سبب نوشیدن شراب در دین اسلام منع قرار داده شده.

## گواهی مرد وزن

(مساوات در شهادت)

چرا گواهی یک مرد برابر با گواهی دو زن شمرده می شود؟

**جواب:**

۱. دوگواه طبقه اناث در همه حالات برابر با یک گواه طبقه ذکور پنداشته نمی شود

کم از کم سه آیت قرآنکریم در مورد گواهی بدون مقید ساختن جنسیت گواه به ذکور و اناث بحث می کند که قرار آتی تذکر داده می شوند:

1. در هنگام وصیت میراث باید دوشخص عادل گواه باشد. در آیت ۱۰۶ سوره ی المائده خداوند متعال می فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که مرگ یکی از شما فرا رسد، در موقع وصیت باید از میان شما، دونفر عادل را به شهادت بطلبید، یا اگر مسافرت کردید، و مصیبت مرگ شما فرا رسید، (ودر آنجا مسلمانی نیافتید) دونفر از غیر خودتان را به گواهی بطلبید»  
{قرآنکریم ۵: ۱۰۶}

2. دوشخص عادل در قضیه ی طلاق ضرورت است.

«ودو شخص عادل از خودتان را گواه بگیرید، و شهادت را برای خدا برپا دارید»  
{قرآنکریم ۶۵: ۲}

3. چار گواه در قضیه ی اتهام بر زن پاکدامن ضرورت است.

«وکسانیکه زنان پاکدامن را متهم می کنند، سپس چار شاهد (بر مدعای خود) نمی آورند، آنها را هشتاد تازیانه بزنید و شهادت شان را هر گز نپذیرید، و آنها همان فاسقان اند!»  
{قرآنکریم ۲۴: ۴}

۲. دو گواه زن تنها در معاملات پولی برابر با یک گواه مرد است

اگر بگوییم در همه حالات ها دو شاهد زن برابر با یک شاهد مرد شمرده می شود خلاف حقیقت است زیرا این اصل صرف در بعضی قضیه ها ی مخصوص تحقق می پذیرد. در مجموع پنج آیت در قرآن شریف وجود دارد که در باره ی گواهی بدون مشخص ساختن جنسیت گواهان بحث می کند. تنها آیت

۲۸۲ سوره البقره دلالت بر مساوات دو شاهد زن با یک مرد دارد که این طویل ترین آیت قرآن کریم بوده و در مورد معاملات مالی بحث میکند؛

«ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که بدهی مدت داری (بخاطر وام و یا داد و ستد) به یکدیگر پیدا کنید، آنرا بنویسید! و باید نویسندگی از روی عدالت، (سند را) در میان شما بنویسید! و دو نفر از مردان (عادل) خود را (بر این حق) شاهد بگیرید! و اگر دو مرد نبود، یک مرد و دو زن از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند، انتخاب کنید! (و این دو زن باید به هم شاهد قرار گیرند) تا اگر یکی انحرافی یافت، دیگری به او یاد آوری کند!» {قرآن کریم: ۲: ۲۸۲}

این آیت صرف با معاملات مالی سروکار دارد. در چنین حالت ها، توصیه شده است تا موافقتنامه ای نوشتاری بین هر دو جانب تصنیف شده و دو شاهد گرفته شود، بهتر است اگر هر دو مرد باشند ولی اگر دو مرد پیدا نشد، یک مرد و دو زن کفایت.

(یادداشت: خداوند متعال ذات حکیم و خبیر است، در تقاضای گواهی دو زن با هم یک حکمت این است که در امورات محکمه زنان نسبت به مردان زودتر هراسان شده و افکار شان را وکیل فریق مقابل به آسانی مغشوش می سازد و همچنان به تنهای برای یک زن با عزت رفتن به محکمه کار آسان نیست؛ از همین سبب اول از آنها برای گواهی تقاضا نمی شود ولی در صورتیکه ضرورت ایجاب کند، برای تقویت روحی او از یک خانم دیگر نیز تقاضا می شود، از این سبب حضور دو زن لازم است.

باید یاد آور شد که این مسئله به حیثیت اجتماعی زنان لطمه وارد نمی کند زیرا از یک سو از حضور او به تنها در محضر عام جلوگیری می کند و از سوی دیگر سبب آرامش خاطر آنها می شود بر علاوه در این آیت بیان گردیده که گواهی را یک زن انجام می دهد و دومی صرف در صورت فراموشی به او یادآوری می کند.<sup>1</sup>

به طور مثال فرض کنید شخصی می خواهد از سبب بیماری خاصی عملیات و معالجه از دو داکتر جراح متخصص مشوره خواهد گرفت اما اگر دو جراح متخصص در دسترس نبود، انتخاب دوم مشوره با یک جراح متخصص و دو داکتر عمومی می باشد.

به عین شکل در گواهی معاملات مالی دو مرد ترجیح داده می شود زیرا اسلام از مردان توقع دارد که کفیل خرچ خانواده باشند و از آن جاییکه مسوولیت مالی خانواده ها توسط مردان شانه می شود، انتظار

<sup>1</sup> سید خالد جاوید مشهدی

می رود که مردان در معاملات مالی نسبت به زنان بیشتر با اطلاع و باتجربه باشند. و انتخاب دوم، گواهان می توانند یک مرد و دو زن باشند تا اگر یکی از آنها اشتباه کند، دومی بتواند به او یاد آوری کند. لغت عربی بی که در قرآن ذکر شده «تضل» می باشد که به معنای «گیج، مغشوش» یا «در اشتباه بودن» آمده. اکثر مردم این لغت را به نادانی «فراموش کردن» ترجمه کرده اند.

### ۳. در قضیه قتل نیز گواهی دو زن با یک مرد برابر محسوب می شود

بعضی از دانشوران به این باور اند که طبیعت زنان می تواند بر گواهی در قضیه قتل تاثیر گذار باشد. در چنین حالات زنان نسبت به مردان بیشتر وحشت زده می شوند و از سبب سرشت نرم و احساساتی، ممکن گیج شوند. از همین سبب، از دید گاه بعضی حقوق دانان در قضیه ی قتل گواهی دوزن با یک مرد برابر است. در تمام قضیه های دیگرگواهی مرد وزن یکسان محسوب می شود.

### ۴. قرآنکریم گواهی مرد وزن با واضحا برابر اعلام می کند

بعضی از دانشوران به این باور اند که باید قاعده ای «مساوات گواهی دوزن بایک مرد» در همه قضیه ها بکار برده شود اما موافقت به این نظریه درست نیست زیرا آیت ۶ سوره النور بصورت واضح گواهی مرد وزن با کاملا برابر می خواند:

« وکسانی که همسرانی خود را به (عمل منافی عفت) متهم میکنند، و گواهانی جز خود شان ندارند، هر یک از آنها باید چار بار بنام خدا شهادت دهد که از راستگویان است» {قرآنکریم ۶:۲۴}

### ۵. گواهی عایشه(رض) به تنهایی برای پذیرفتن حدیث کافیهست

حضرت عایشه فرزند حضرت ابوبکر صدیق(رض) و خانم حضرت گرامی محمد(ص) ۲۲۲۰ حدیث از پیغمبر(ص) روایت کرده که به تنهایی گواهی او دقیق و صحیح شمرده می شود؛ پس برای ثبوت گواهی زنان تنها همین دلیل بسنده می کند. همچنان تعداد زیاد حقوق دانان و فقیه بر این امر موافقت دارند که حتا گواهی یک زن برای دیدن هلال مهتاب کفایت می کند.

می بینیم که گواهی یک زن برای یکی از بنا های اسلام(روزه) کفایت می کند و تمام جامعه ی اسلامی (مردان وزنان) به گواهی او موافقت نموده و آنرا بسنده می شمارند! بعضی فقیه ها به این نظر اند که برای دیدن هلال در آغاز ماه مبارک رمضان یک گواه و در ختم آن دو گواه ضرورت است- بدون هیچ نوع تفاوت جنسی درگواهان!

#### ۶. در بعضی قضیه ها تنها گواه زن ضرورت است

بعضی واقعات تنها به گواهی طبقه اناث نیاز دارد و طبقه ذکور بحیث گواه اصلا پذیرفته نمی شود. بطور مثال در مشکلات زنانه، در هنگام غسل میت(زن)... گواه باید از زنان باشد.

نابرابری ظاهری گواهی مرد وزن در معاملات مالی نمایندگی از هیچ نوع نابرابری میان مرد وزن در اسلام نکرده و این نامساوات تنها و تنها به سبب طبیعت دوگانه و نقش های مختلف مرد وزن در جامعه می باشد.

## میراث

چرا در قانون اسلامی به مرد دو برابر زن میراث داده می شود؟

**جواب:**

### ۱. میراث در قرآن

قرآن عظیم الشان آیات مشخص و رهنمود های مشرح در رابطه به تقسیم مال میراث میان وارثان حقیقی دارد که قرار ذیل ذکر می شوند:

- سوره (۲) البقره، آیت ۱۸۰
- سوره (۲) البقره، آیت ۲۴۰
- سوره (۴) النساء، آیات ۷-۹
- سوره (۴) النساء، آیت ۱۹
- سوره (۴) النساء، آیت ۳۳
- سوره (۵) المائده، آیت ۱۰۶-۱۰۸

### ۲. سهم مشخص میراث برای خویشاوندان

سه آیت مشخص قرآن کریم بصورت کلی سهمیه ی خویشاوندان نزدیک را تشریح می کند (سوره النساء آیات ۱۱، ۱۲ و ۱۷۶):

«خداوند (ج) در باره ای فرزندان تان به شما سفارش می کند که سهم (میراث) پسر، به اندازه ای سهم دو دختر باشد، و اگر فرزندان شما (دو دختر و) بیش از دو دختر باشند، دو سوم میراث از آن آنهاست، و اگر یکی باشد، نیمی (از میراث) از آن اوست. و برای هر یک از پدر و مادر او، یک ششم میراث است. اگر (میت) فرزندی داشته باشد؛ و اگر فرزندی نداشته باشد (تنها) پدر و مادر از او ارث برند، برای مادر او یک سوم است (و بقیه از آن پدر است)، و اگر او برادرانی داشته باشد، مادرش یک ششم می برد (و پنج ششم باقیمانده، برای پدر است). (همه اینها) بعد از انجام وصیتی است که او کرده، و بعد از ادای دین است شما نمی دانید پدران و مادران و فرزندان تان، کدام یک برای شما سودمند تراند! - این فریضه ی الهی است؛ و خداوند دانا و حکیم است.

و برای شما نصف میراث زنان تان است، اگر آنها فرزندی نداشته باشند؛ و اگر فرزندی داشته باشند، یک چهارم از آن شماست، پس از انجام وصیتی که کرده اند و ادای دین (آنها). و برای زنان شما، یک

چهارم میراث شماسست، اگر فرزندی نداشته باشید؛ و اگر برای شما فرزندی باشد، یک هشتم از آن آنهاست، بعد از انجام وصیتی که کرده اید و ادای دین. و اگر مردی بوده باشد که کلاله (خواهر یا برادر) از او ارث می برد، یازنی که برادر یا خواهری دارد، سهم هر کدام، یک ششم است (اگر برادران و خواهران مادری باشند) و اگر بیش از یک نفر باشند، آنها در یک سوم شریک اند، پس از انجام وصیتی که شده و ادای دین، بشرط آن که (از طریق وصیت و اقرار به دین) به آنها ضرر نزنند. این سفارش خداست و خدا دانا و بردبار است.» {قرآن کریم ۴: ۱۱ و ۱۲}

«از تو (درباره ای ارث خواهران و برادران) سوال می کنند، بگو: خداوند حکم کلاله (خواهر و برادر) را برای شما بیان می کند: اگر مردی از دنیا برود که فرزند نداشته باشد و برای او خواهری باشد، نصف اموالی را که بجا گذاشته، از او (ارث) می برد؛ و اگر خواهری از دنیا برود، (وارث او یک برادر باشد) او تمام مال را از آن خواهر به ارث می برد، در صورتیکه میت فرزند نداشته باشد، و اگر برادران و خواهران با هم باشند (تمام اموال را میان خود تقسیم می کنند) و برای هر مذکر، دو برابر سهم مونث است. خداوند (احکام خود را) برای شما بیان می کند تا گمراه نشوید و خداوند بر همه چیز داناست!» {قرآن کریم ۴: ۱۷۶}

### ۳. بعضی اوقات زنان برابر و یا بیشتر از حصه ای مردان همتای شان ارث میبرند

زنان در اکثر موارد نصف مردان همتای شان از مال میراث بدست می آورند اما این مسئله قاعده کلی نیست. در صورتیکه متوفا جد و نواده نداشته باشد ولی برادر و خواهر اصلی داشته باشد، هر یک از آنها یک ششم حصه ارث می برند.

اگر از متوفا اولاد بجا مانده باشد، والدین هر دو (پدر و مادر) یک ششم حصه ی مساوی ارث می برند. در بعضی حالت ها زنان هم می توانند دو برابر مردان میراث بگیرند بطور مثال اگر متوفا زنی باشد که اولاد، برادر و خواهر نداشته ولی شوهر، مادر و پدر داشته باشد، شوهر نصف دارایی را صاحب شده در حالیکه مادر صاحب یک سوم می گردد و پدر یک ششم حصه ی باقیمانده را از آن خود می سازد. در چنین قضیه مادر صاحب دو چند حصه ی پدر می شود.

### ۴. زنان عموماً نصف حصه ی مردان همتای شان میراث می برند

زنان عموماً نصف حصه ی مردان همتای شان میراث می برند. به رنگ نمونه در قضیه های زیر:

- پسر صاحب دو حصه و دختر صاحب یک حصه می شود.
- اگر متوفا اولاد نداشته باشد، خانم صاحب ۱/۸ حصه و شوهر صاحب ۱/۴ حصه میگردد.

▪ اگر متوفا اولاد داشته باشد، خانم صاحب ۱/۴ حصه و شوهر صاحب ۱/۲ حصه میگردد.

▪ اگر متوفا جد و نواده نداشته باشد، خواهر نصف حصه ی برادر را به ارث می برد.

#### ۵. چون مردان متکفل امورات مالی خانواده ها هستند دو جند زنان میراث می برند

در اسلام زنان هیچ نوع مجبوری و مکلفیت مالی ندارند زیرا مسوولیت مالی و اقتصادی به دوش مردان است. قبل از اینکه یک زن ازدواج کند، وظیفه ی پدر و برادر اوست تا مسکن، خوراک، پوشاک و دیگر ضروریاتش را مهیا سازند و بعد از ازدواج این مسوولیت به دوش شوهر و پسر او می افتد. اسلام مرد را مسوول خراج و برآورده ساختن ضروریات خانواده ساخته است. بخاطر اینکه مرد از عهده ی مسوولیت هایش برآمده بتواند، دو حصه از میراث به او می رسد. به رنگ نمونه، اگر مردی بمیرد و از او یک صد و پنجاه هزار افغانی به پسر و دختر او میراث بماند. به پسر او صد هزار افغانی و به دختر او پنجاه هزار افغانی می رسد.

اما از سبب مسوولیت پسر در قبال فامیلش او تقریباً تمام و یا ۸۰ فیصد آنرا دو باره بالای فامیلش به مصرف می رساند، پس در اصل او مقدار بسیار کمی را به ارث برده، گفته میشود بیست هزار افغانی نزد او باقی می ماند. اما دختر که پنجاه هزار افغانی میراث می برد ملزم به مصرف هیچ پولی بالای هیچ فردی خانواده نیست و او می تواند تمام پول را برای خودش نگهدارد.

پس کدام یک را شما می پسندید- آیا اینکه شما صد هزار افغانی میراث ببرید و هشتاد هزار افغانی آنرا دوباره مصرف کنید و یا پنجاه هزار افغانی میراث ببرید و تمام آنرا با خود داشته باشید؟

## آیا قرآنکریم کلام خداوند(ج) است

چطور می توانید به اثبات برسانید که قرآنکریم کلام خداوند(ج) است؟

**جواب:**

همه می دانیم که تمام پیغمبران قبل از محمد(ص) برای یک زمان محدود و قوم خاص فرستاده شده بودند اما پیام محمد(ص) ابدی است چنانچه خداوند(ج) می فرماید:

«ماترا جز رحمت برای جهانیان نفرستایم» {قرآنکریم ۲۱: ۱۰۷}

از آنجایی که بعثت حضرت محمد(ص) ابدی است، پیام او نیز ابدی می باشد و پیام ابدی باید در هر دور زندگی بشر حقانیت خود را ثابت بسازد. با وجودیکه همه پیامبران خداوند(ج) معجزات داشتند اما معجزات آنها صرف در همان مقطع زمان قابل آزمایش و مشاهده بود اما معجزه بزرگی که حضرت محمد(ص) از خود بجا مانده قرآن عظیم الشان است که از ۱۴۰۰ سال قبل به اینسو توانسته در هر دور حقانیت خود را به اثبات برساند. از این سبب می توانیم قرآن را معجزه ی معجزه ها بنامیم!

ناگفته نباید گذاشت که حضرت محمد(ص) معجزات بی شمار دیگر نیز داشتند که اخبار آنها توسط احادیث بما رسیده اما هیچ گاهی بالای آنها تاکید ننموده اند.

### نظریات در باره ی ماخذ قرآن

وجه مشترک میان کسانی که چه معلومات کافی و چه ناکافی در باره ی قرآنکریم دارند این است که قرآن اولین بار در قرن ششم عیسوی توسط شخصی بنام محمد(ص) در مکه قرأنت گردید ولی در باره ی ماخذ آن عموماً ۳ نظریه وجود دارد:

- قرآن کلام محمد(ص) است و آنرا در حال شعور، نیمه شعور و یا بی شعوری تخلیق نموده.
- حضرت محمد(ص) قرآن را از کسان دیگر آموخته و یا آنرا به تقلید از کتاب های مقدس قبلی تحریر نموده.
- قرآن کلام حقیقی و لفظ به لفظ الله(ج) است و در تخلیق آن دست بشر بکلی دخل ندارد.

حالا هر ۳ نظریات را مورد بررسی قرار می دهیم:

### ۱. حضرت محمد(ص) مولف قرآن نیست

تالیف قرآنکریم به هیچ وجه به حضرت محمد(ص) منسوب شده نمی تواند زیرا او(ص) هیچ گاهی دعوی تالیف کدام اثر علمی و یا ادبی را نکرده و همچنان هرگز دعوا نکرده که مولف این شاهکار بزرگ باشد در ضمن همواره اصرار بر این داشت که من فرستاده ی خداوند(ج) هستم و خداوند(ج) این کتاب را بر من وحی می کند. در این مورد گنجایش هیچ نوع کوتاه فکری وجود ندارد زیرا در طول حیات مبارک قبل از بعثت یکبار هم از او حتا دروغ مصلحت آمیز شنیده نشده و از تاریخ هویدا می گردد که حتا مشرکین و دشمنان محمد(ص) به صداقت و امانتداری او معترف بودند از همین سبب همه عقارب و مخالفان بر او لقب «امین» گذاشته بودند؛ پس چرا بر گفتار او یقین نکرد در حالیکه او(ص) خود می گفت که قرآن کلام خداوند(ج) است و بر من نازل می شود همانطوریکه کتابهای آسمانی بر پیغمبران قبل از من نازل می گردید.

بعضی مستشرقین به این باور اند که محمد(ص) قرآن را به خداوند(ج) منسوب نمود و خود را (نعوذبالله) پیغمبر دروغین برای کسب مال دنیاوی نامزد کرد تا وضع مالی خود را همانند دیگر اشخاصی که ادعای دروغین پیغمبری کرده اند تقویت بخشد و زندگی مجلل داشته باشد. تاریخ شاهد تعدادزیاد چنین اشخاص است اما دیده می شود که حالت زندگی و وضعیت مالی رسول اکرم(ص) قبل از اعزاز یافتن به نبوت بهتر بوده و خیلی ها آسوده حال بودند خصوصا بعد از ازدواج در سن ۲۵ سالگی با خانم ثروتمندی بنام ام المومنین حضرت بی بی خدیجه اما حالت زندگی او بعد از مبعوث شدن به پیغمبری کاملاً رقت بار بود. در ریاض الصالحین حدیث شماره ۴۹۲ از حضرت عایشه(رض) روایت شده که بالای آنها خالی بود که یکماه دوماه می گذشت و در خانه آتش به منظور پخت و پز نمی سوخت زیرا چیزی برای پخت و پز وجود نمی داشت و با آب و خرما بسر می بردند. بعضی اوقات درخوراک آنها شیر بز که از طرف مردم مدینه با آنها مساعدت می شد علاوه می گردید. این روش محض یک دوماه نبوده بلکه طریقه ی زندگی آنها بود و به همین نحوه باقی حیات مبارک همه در تنگدستی و مشکلات گذشته است.

در احادیث شماره ۴۶۵ و ۴۶۶ ریاض الصالحین نگاشته شده که تمام تحفه های که به محمد(ص) موصول میگردید بدون اینکه از آن چیزی را برای فردا نگهدارد همه و همه را به نیازمندان و فقرا تقسیم می نمود. روایت است که در زمان رحلت آنحضرت(ص) مقروض بودند و سپر او در دست یهودی ها مدینه قرار داشت {ریاض الصالحین حدیث شماره ۵۰۴} این همه در حال بود که محمد(ص) می توانست به حیث پادشاه سرزمین عرب زنده گی کند پس چنین شخصی چطور برای بدست آوردن پول (نعوذبالله) ادعای کاذب پیغمبری می نمود؟

مسئله دیگر مورد بحث اینکه اگر محمد(ص) خود مولف قرآن می بود و آنرا به خداوند(ج) نسبت میداد هرگز در قرآن نمی نوشت:

«پس وای بر کسانی که می نویسند کتاب هایی را با دست خود سپس می گویند این از جانب خداست. تا بستانند عوض آن بهای اندک را، پس وای ایشان را به سبب نوشتن دست های شان و وای برایشان به سبب پیشه گرفتن ایشان.» {قرآنکریم ۲: ۷۹}

واین خود گواه قرآنکریم بر حقانیت آن از جانب خداوند(ج) است. هلاکت و وایل در این آیت بر کسانی فرستاده شده که در کتاب های قبلی تغییرات وارد می نمودند و یا کتاب هایی را با دست می نوشتند و برای کسب منفعت دنیاوی آنرا به خداوند(ج) منسوب می کردند؛ و اگر محمد(ص) نیز همانند دیگران (نعوذبالله) کاذب می بود و کذب او حتما در یک دوره فاش میگردد و از بزرگترین منافقین شمرده شده خود را در کتاب خود نفرین می نمود یک امر غیر منطقی است!

بعضی ها میگویند که پیغمبر(ص) برای کسب مقام، قدرت شان و شوکت و رهبری قرآن را به خداوند نسبت داده، اما آیا این ممکن بوده می تواند؟ آرزوی حصول اقتدار و طاقت برای چه می باشد؟ حصول اقتدار و طاقت برای مظاهره بی شان و شوکت می باشد تا لباس های قیمتی را زیب تن کرده غذاهای عالی صرف کند و در محل های شگفت آور قدم بزند، محافظ های مسلح همراکاب او باشد... اما می بینیم که طریقه ی زنده گی آن حضرت(ص) چطور بود؟ با وجود مسولیت های زیاد او در جامعه منحیث رهبر، آن حضرت(ص) شیر بز را می دوشید، لباس های خود را رفو می نمود، کفش های خود را ترمیم می کرد و در دیگر کار های خانه نیز سهم میگرفت، در روی زمین می نشست و از صحبت با فقرا لذت می برد- زنده گی او(ص) یک الگوی عاجزی و فروتنی است که وجود این نشانه ها در طالبان قدرت و اقتدار محال است!

چندین مرتبه نماینده ی مشرکان عرب نزد حضرت محمد (ص) آمدن و پیشنهاد کردند که اگر از دعوت اسلامی دست بردار شوی ترا ثروتمندترین مرد سرزمین عرب و حاکم آن سرزمین خواهیم ساخت؛ اگر حضرت محمد(ص) خواهان ثروت و اقتدار می بود هرگز این شانس طلایی را از دست نمی داد!

بعضی اشخاص لعین بالای پیغمبر(ص) اتهام جنون می بندند اما فراموش می کنند که قرآنکریم تقریبا در مدت ۲۳ سال اندک اندک نظر به ضرورت زمان نازل گردیده و اگر مطابق ادعای آنها قرآنکریم توسط یک مجنون تالیف می گردید پس آیا در نزول آن به این اندازه تسلسل وجود می داشت؟ و اگر بالای این اعتراض بحث شود که (نعوذبالله) رسول اکرم(ص) به مرض mathomania مبتلا بود که

مریض خود را بادشاه و یا پیغمبر تصور می کند و متقین می باشد که کاملاً در همان جایگاه قرار دارد. پس چطور او این تاثیر کاذب را به این مدت طویل نگهدارد و قرآن عظیم الشان در حالت بی شعوری تخلیق شده باشد؟ در قرآن کریم بسیار واقعات تاریخی درج است که حضرت محمد(ص) در آن زمان از آنها واقف نبود و بسیار پیشبینی هایی درج است که در آن روز گاران اطلاعی از آنها در دست نبود، تعداد بی شمار حقایق ساینسی وجود دارد که در عصر ما کشف گردیده یعنی کاملاً ناممکن است که این همه حقایق زنده توسط فکر یک مجنون بمیان آمده باشد. خداوند(ج) میفرماید:

«آیا فکر نکردند که همنشین آنها(پیامبر) هیچ گونه (اثری از) جنون ندارد؟! (پس چگونه چنین نسبت ناروایی به او می دهند؟) او فقط بیم دهنده آشکاری است (که مردم را متوجه وظایف شان می سازد.)»  
{قرآن کریم ۷: ۱۸۴}

و نیز میفرماید: «نیستی تو به فضل پروردگارت دیوانه» {قرآن کریم ۶۸: ۲}

«و نیست این یار شما دیوانه» {قرآن کریم ۸۱: ۲۲}

و چه خوب است که جوابات چنین اتهامات بی بنیاد را خداوند آسمانها و زمین خود در قرآن ارایه کرده است.

## ۲. محمد(ص) قرآن را به تقلید از کتابهای مذهبی قبلی نگاشته است

یک تهمت بی بنیاد دیگر بالای پیغمبر(ص) از جانب بعضی خدا ناترسان وارد شده و آن اینکه محمد(ص) قرآن را به تقلید از کتابهای مذهبی و یا اشخاص مذهبی که در آن زمان وجود داشتند تحریر نموده، این اتهام نیز قابل پذیرش نیست زیرا پیغمبر(ص) اُمی بود و قادر به نوشتن و کتابت نبود، گواهی این حقیقت در قرآن کریم نیز درج است:

«ونمی خواندی پیش از نزول قرآن هیچ کتاب را ونمی نوشتی هیچ کتاب را با دست خود آنگاه در شک می افتادند این بد کیشان.» {قرآن کریم ۲۹: ۴۸}

دقیقاً خداوند(ج) با علم غیب می دانست که بعضی اشخاصی که مریضی درک حقایق دارند حتماً تردید در تخلیق قرآن از جانب آنحضرت(ص) می کنند از همین سبب الله تعالی آنحضرت(ص) را با ناخوانی اعزاز بخشید طوری که در ظاهر از خوانش و نگارش محروم بود اما علم او(ص) عطیه ی خداوندی و مانند بحر بیکران بود، خداوند(ج) می فرماید:

«الم- این کتابی است که از سوی پروردگار نازل شده و شک و تردیدی در آن نیست. ولی آنان می گویند: (محمد آنرا به دروغ به خدا بسته است) اما این سخن حقی است از سوی پروردگارت تا گروهی را اندز کنی که پیش از تو هیچ انذار کننده ای برای آنان نیامده است، شاید (پند گیرند) هدایت شوند!»  
 {قرآنکریم ۳۲:۳-۱}

در کتاب اشیعاء بنی اسرائیل آمده است:

«و کتاب بر کسی نازل شده که با سواد نبود.» {اشیعاء ۲۹:۱۲}

ناگفته نباید گذاشت که قرآنکریم در ۴ آیت به ناخوان بودن محمد(ص) تاکید دارد (۷:۵۸ و ۶۲:۲)

کسانی که به این باور اند که حضرت محمد(ص) قرآن را به نقل از انجیل نگاشته این حقیقت را کاملا فراموش نموده اند که در زمان حیات مبارک آنحضرت (ص) ترجمه ی انجیل بزبان عربی وجود نداشت و آنحضرت(ص) بجز عربی دیگر با هیچ لسانی آشنایی نداشت. باید یادآور شد که اولین ترجمه ی عهد قدیم انجیل توسط آر.سادیاس گاوون<sup>۱</sup> در سال ۹۰۰ عیسوی تقریبا ۲۵۰ سال بعد از وفات آنحضرت(ص) عرضه گردید و قدیمی ترین نسخه ی عهد جدید توسط ارپینوس<sup>۲</sup> در سال ۱۶۱۶ تقریبا ۱۰۰۰ سال بعد از رحلت آنحضرت(ص) به میان آمد.

یکسانیت های که در قرآن و انجیل وجود دار هر گز دلیل بر تقلید قرآن از انجیل بوده نمی تواند ولی این یکسانیت ها به نکته ی مهم دیگری اشاره می کند و آن اینکه هر دو، قرآن و انجیل از یک منبع الهی نازل شده اند. تمام کتاب های آسمانی حاوی پیام وحدانیت خداوند(ج) بوده اند اما کتاب های که قبل از قرآنکریم نازل شده اند دستخوش تغییرات انسان ها شده و در نتیجه مقدار زیاد سخنان انسان در آنها جابجا گردیده است. و اگر فرض شود که قرآن از انجیل تقلید شده این امکان هم به میان می آید که (نعوذبالله) عیسی(ع) عهد نامه جدید را از عهدنامه قدیم نقل کرده زیرا در بین این دونیز شباهت و یکسانیت های زیادی وجود دارند!

### ۳. مقایسه ی علمی قرآن و انجیل

تنها از مقایسه وقایع تاریخی مندرجه در قرآن و انجیل برتری هیچ یک بالای دیگری ثابت نمی شود تا زمانی که تجزیه از روی حقایق علمی صورت نگیرد.

<sup>۱</sup> R.Sadias Gaon  
<sup>۲</sup> Erpenius

یک مثال حقیقت خلقت کائنات است که در کتاب پیدایش انجیل فصل اول در ۶ روز ۲۴ ساعته بیان شده در حالیکه در قرآن ۶ «یوم» بیان شده.

«یوم» کلمه ی عربی است که به دو معنا استعمال می شود، اول به معنای یک روز ۲۴ ساعته و دوم به معنای یک دوره ی طویل. ساینس امروزی هم به این باور است که کائنات در ۶ دوره ی طویل خلق شد که در پرتوساینس الحمدلله قرآنکریم درست و انجیل امروزی نادرست ثابت می شود. به سوره الاعراف (۵۴:۷) و سوره یونس (۳:۱۰) مراجعه شود.

علاوه براین در کتاب پیدایش انجیل (۱:۵-۳) آمده که «شب وروز در روز اول بوجود آمده اند» اما از ساینس امروز آشکار شده که روشنی کاینات از سبب رد و بدل شدن نور در ستاره ها بوجود می آید و نظر به کتاب پیدایش انجیل (۱:۱۴-۱۹) تخلیق آفتاب در روز چهارم بوقوع پیوسته؛ چطور ممکن است که روشنی ۳ روز قبل از خلقت آفتاب بوجود آمده باشد در حالیکه روشنی اثر آفتاب است، پس این امر کاملاً غیر منطقی است و زمین که موجودیت آن برای بوجود آمدن شب وروز لازمی است در روز سوم خلق شده باشد. قرآن نیز در این باره بحث نموده اما نه بطور غیر منطقی چنانچه در انجیل تذکر یافته است. پس اگر تصور شود که حضرت محمد(ص) قرآنکریم را به نقل از انجیل تخلیق نموده و همزمان اشتباهات آنرا اصلاح نموده به هیچ صورت قابل قبول نمی باشد.

همچنان در کتاب پیدایش انجیل (۱:۱۶) ذکر شده که آفتاب و مهتاب هر دو از خود نور دارند، «خداوند دو منبع بزرگ نور را آفرید: منبع بزرگ تا در روز حکمروایی کند و منبع کوچک تا در شب حکمروایی کند.» اما امروز ساینس ثابت ساخته است که مهتاب منبع نور نیست و این حقیقت کاملاً مطابق به تعلیمات قرآن است یعنی مهتاب دارای نور منعکسه می باشد.

اگر گفته شود که حضرت محمد(ص) ۱۴۰۰ سال قبل این همه اشتباهات علمی انجیل را اصلاح نموده و بعد آنرا نقل کرده، کاملاً دور از تصور است!

همچنان مندرجات خلقت حضرت آدم(ع) و واقعه ی طوفان نوح(ع) که در انجیل تذکر یافته با حقایق ساینسی و تاریخی در تضاد قرار دارد با وجود که ساینس امروز و شواهد تاریخی تذکره های قرآن را کاملاً تایید می نماید پس از این همه حقایق باید حقانیت قرآن و نزول آن را از جانب الله تعالی هر خاص و عام بدون اندک تأمل بپذیرد.

#### ۴. قرآن مانند کتاب افسانه ها نیست

قرآن برخلاف دیگر کتاب های مذهبی و طرز گفتار انسان ها اسلوب خاص گفتار دارد. شیوه ی نگارش کتاب های افسانوی و کتاب های مذهبی بجز قرآنکریم مانند شیوه ی نگارش کتاب های افسانوی و کتاب های قصه است، شیوه ی بیان داستان ها و قصه ها اینگونه است: بود نبود...، بکبار واقعه ی رخ داد که...، روباه وانگور، گرگ وبره و غیره ولی در قرآنکریم ذکر الله، اسمان ها و زمین می شود چنانچه قبلا اشاره نمودیم شیوه ی بیان آن کاملا با قصه ها و افسانه ها متفاوت است که از آغاز تا انجام یکنواخت باشد یعنی قرآن کاملا دارای یک اسلوب خاص منحصر به خود است.

قرآنکریم ما را به حکمت و دلیل تشویق می کند و همین اسلوب قرآن نیز میباشد. بعضی مسلمانان به ای باور اند که از بحث های مذهبی در باره ی اسلام و قرآن جلوگیری شود اما این مفکوره درست نیست چون برای اکثر سوالات و شبهات که در ذهن انسان در رابطه به تعلیمات قرآن خطور می کند جواب قبلا در قرآن داده شده و در قرآن لفظ «قالو» یعنی «آنها میگویند» و «قل» یعنی «بگو» هر دو متناسب ۳۳۲ مرتبه ذکر شده، پس معلوم می شود که قرآن گوش دادن به سخنان دیگران و بیان سخنان خود را تشویق می کند چنانچه می گوید:

«دعوت کن مردمان را بسوی پروردگار خویش به دانش و پند نیک و مناظره کن با ایشان به طریقه ی که نیک است.» {قرآنکریم ۱۶: ۱۲۵}

#### ۵. دعوی قرآن

دعوی قرآن این است که این کتاب از جانب خالق تمام کاینات نازل شده ولی اگر بنا بر بعضی دلایل کسی آنرا نمی پذیرد پس این چه است؟ قرآن در بسیار جاها خدایی بودن کلام مندرجه ی آنرا دعوا نموده چنانچه در سوره الجاثیه ارشاد نموده:

«این کتاب از سوی خداوند غالب و با حکمت است.» {قرآنکریم ۲: ۴۵}

این مفهوم در سوره الانعام (۶: ۱۹، ۷۲)، سوره یوسف (۱۲: ۲، ۱)، سوره طه (۲۰: ۱۱۳)، سوره النمل (۲۷: ۶)، سوره السجده (۳۲: ۱-۳)، سوره یس (۱: ۳۶-۳)، سوره الزمر (۳۹: ۱)، سوره الغافر (۴۰: ۲)، سوره الرحمن (۵۵: ۲، ۱)، سوره الواقعة (۵۶: ۷۷-۸۰) و سوره الانسان (۷۶: ۲۳) نیز تذکر داده شده.

## ۶. زندگی ابولهب

یکی از کاکا های حضرت محمد(ص) که ابولهب نام داشت از جمله بزرگترین و سرسخت ترین دشمنان پیغمبر(ص) محسوب می شد و هیچ موقعی را بر اذیت رسانیدن به آنحضرت(ص) از دست نمی داد و آنحضرت(ص) از دست او و خانمش بسیار به تکلیف بود و سوره ۱۱۱ قرآن بنام او نازل شد. در این سوره تاکید شده که ابولهب و خانم او هر دو در آتش دوزخ می سوزند.

قسمیکه قبلا ذکر نمودیم ابولهب یکی از سرسختترین دشمنان اسلام بود و همیشه می خواست قرآنکریم را غلط ثابت کند و به مردم بگوید که قرآن کلام بشر است؛ برای اثبات این دروغ صرف اگر او یکبار با زبان می گفت که «من مسلمان هستم» قرآن عظیم الشان (نعوذبالله) غلط ثابت می شد. به عبارت دیگر در این آیت تذکره داده شده که اینها هر گز مسلمان نمی شوند. قابل یادآوریست که این سوره ۱۰ سال قبل از مرگ ابولهب نازل گردیده بود و درین مدت ۱۰ سال اکثر دوستان او به اسلام مشرف گردیدند، اما چون قرآن الهام واقعی از جانب الله تعالی است هر گز خلاف حقایق بوده نمی تواند و ابولهب نیز نتوانست در طی این مدت طویل آنرا غلط ثابت کند.

## ۶. یهودیان مرگ نمی خواهند

خداوند(ج) در سوره البقره می فرماید:

«بگو: اگر آن (چنان که مدعی هستید) سرای دیگر در نزد خدا مخصوص شماست نه سایر مردم، پس آروزی مرگ کنید اگر راست می گوئید! ولی آنها بخاطر اعمال بدی که پیش از خود فرستاده اند، هر گز آروزی مرگ نخواهند کرد و خداوند ازستمگران آگاه است. و آنها را حریص ترین مردم - حتی حریصتر از مشرکان برزندگانی (این دنیا و اندوختن ثروت) خواهی یافت تا آنجا که هر یک از آنها آرزو دارد هزار سال عمر به او داده شود» {قرآنکریم ۲: ۹۴-۹۶}

یهودیان ادعا دارند که خانه ی آخرت یعنی بهشت تنها و تنها برای آنها آماده شده ولی خداوند(ج) در جواب می فرماید که اگر شما در گفتار خود راسخ هستید پس مرگ را طلب کنید لیکن آنها از سبب جنایت های که متحمل شده اند هر گز مرگ نمی خواهند زیرا خوب می دانند که از جمله دروغ گویان هستند.

غلط ثابت ساختن قرآن برای این گروه خیلی ها آسان بود و صرف با خواستن مرگ می توانستند قرآنکریم را کلام بشر معرفی کنند اما هرگز نتوانستند زیرا هیچ یک از آنان حتا به دروغ هم به این کار آماده نبودند.

## ۷. یک سوره مشابه به قرآن بسازند

در قرآن شریف یک امتحان برای تمام انسان ها و جنیاب که درباره نزول آن از جانب خداوند(ج) مشکوک هستند وجود دارد و آن اینکه اگر شما تسلیم به الهی بودن قرآن نیستید و گمان می کنید که قرآن کلام بشر است پس شما همه یکجا وبه کمک همدیگر حداقل یک سوره مانند قرآن بیاورید، اما آنها هرگز نمی توانند. خداوند(ج) میفرماید:

«بگو: اگر انسان ها و پریان (جن و انس) اتفاق کنند که همانند این قرآن را بیاورند، همانند آن را نخواهند آورد؛ هر چند یکدیگر را (در این کار) کمک کنند.» {قرآنکریم ۱۷: ۸۸}

همچنان خداوند(ج) در سوره الطور (۳۴: ۵۲) میفرماید که اگر شما راست می گوید کلامی همانند این بیاورید و در سوره هود (۱۱: ۱۳) میفرماید که اگر شما می گوید که محمد(ص) این کتاب را تخلیق نموده پس ۱۰ سوره همانند آن بیاورید اگر راست گویان هستید وبعد خداوند(ج) این امتحان را آسانتر می سازد و در سوره یونس میفرماید:

«آیا آنها می گویند او قرآن را به دروغ به خدا نسبت داده است؟ بگو: اگر راست می گوید یک سوره همانند آن بیاورید و غیر از خدا، هر کس را می توانید (به یاری) طلبید.» {قرآنکریم ۱۰: ۳۸}

این امتحان باز هم ساده تر می شود و خداوند(ج) در سوره البقره (۲: ۲۴، ۲۳) میفرماید که اگر هنوز هم در شک هستید پس یک سوره حد اقل مشابه به قرآن تحریر نمایید و نیز میفرماید که این کار را نیز هرگز انجام داده نمی توانید در حالیکه در آنزمان تعداد بی شمار شاعران عرب کوشیدند با چیزی مشابه به قرآن بنویسند لیکن هیچگاهی به هدف نرسیدند و از آنزمان تا حال که ۱۴۰۰ سال می گذرد کسی نتوانسته با قرآن مقابله کند و این امتحان قرآنی تا ابد باقی است و انشاءالله هیچ کسی از این امتحان موفق بدر نمی آید!

اگر قرآن مجید کلام بشر می بود حتما در آن کلمات ضد و نکیص و جود می داشت و این هم یک امتحان بزرگ است که هیچ کسی در آن حتی ی موردی را در تضاد با مورد دیگر دریافته نمی تواند. امروز هم اگر کسی بخواهد قرآن عظیم الشان را کلام بشر معرفی کند می تواند صرف با ارایه نمودن یک مورد که با موارد دیگر قرآن در تضاد باشد دعوا را به نفع خود خاتمه دهد. خداوند(ج) میفرماید:

«آیا در باره ی قرآن نمی اندیشند؟ اگر از سوی غیر خدا بود، اختلافات فراوانی در آن می یافتند.» {قرآنکریم ۲۴: ۸۲}

## ۸. حقایق علمی موجود در قرانکریم

یکی از دلایل خدایی بودن قرآن موجودیت حقایق ساینسی در آن است در حالیکه در زمان نزول قرآن هیچ کسی از این حقایق آگاهی نداشت.

من از یک ملحد پرسیدم که آیا میدانی این کاینات چطور بوجود آمد؟ او گفت: کاینات در ابتدا به شکل غبار بود وبعد یک انفجار عظیم رخ داد واین کاینات بوجود آمد وپس از این کهکشانشان ها، ستاره ها وسیاره ها بوجود آمدند؛ من در جواب گفتم: «این افسانه پری ها را از کجا آموختی؟» او گفت: «این افسانه نیست بلکه یک حقیقت مسلم است، در سال ۱۹۷۳ عیسوی به دانشمندانی که در باره ی نظریه ی انفجار عظیم تحقیق نمودند جایزه نوبل داده شد...» من گفتم: «نظر شما درست است اما در این باره قرآن ۱۴۰۰ سال قبل عین حقیقت را بیان نموده.»

«آیا ندیدند کافران که آسمانها وزمین به هم پیوسته بودند و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم و هر چیز زنده ای را از آب پیدا نمودیم، آیا ایمان نمی آورند؟» {قرانکریم ۲۱:۳۰}

چند مثال دیگر حقایق علمی مندرجه در قرآن از قرار ذیل است:

- کروی بودن زمین در چندین آیت قرآن از تبدیل شدن شب به روز ثبوت می شود، مثلاً (۲۹:۳۱).
- نور مهتاب که نور منعکسه است در قرآن ذکر شده، مثلاً (۶۱:۲۵).
- تا چند سال قبل از امروز دانشمندان آفاب را ساکن تصور می نمودند در حالیکه قرآن از تحرک آن ۱۴۰۰ سال قبل خبر داده، مثلاً (۳۳:۲۱).
- فرود آمدن باران و دوران آب را قرآن بصورت مفصل در چندین آیت بیان نموده، مثلاً، (۱۸:۲۳)، (۲۴:۳۰)، (۴۳:۲۴)، (۴۸:۳۰) در حالیکه ساینسدان مشهور بنام برنارد پیلس در سال ۱۵۸۰ عیسوی اولین انسانی بود که دوران آب و نحوه ریزش باران را بیان نمود.
- در باره ی بر و بحر معلومات مفصل در قرآن ۱۴۰۰ سال قبل از امروز بیان شده که تا چند سال قبل برویت ساینس از آنها معلوماتی در دست نبود.
- خداوند(ج) در قرانکریم فرموده: هر چیز از آب پیدا شده (۳۰:۲۱) و امروز ساینس می گوید که جز مهم خلا<sup>۱</sup> را سایتوپلازم تشکیل می دهد ودر ترکیب آن ۸۰٪ آب وجود دارد و هر جسم زنده از ۵۰٪ تا ۹۰٪ آب ساخته شده. در زمان نزول قرآن در صحرا های خشک و عاری از آب عربستان این حقیقت به کی معلوم بود؟

▪ بیشتر ملحدان در این حیرت زده می شدند که می گفتم قرآن نباتات را جفت خلق شده میدانند و مسوول تولید شهد زنبورهای مونث رامیداند در حالیکه ساینس تا چند سال قبل زنبور های مذکر را مسوول تولید شهد می دانستند. فرانسس بیکن<sup>1</sup> که یک فیلسوف مشهور است چه بجا گفته:

« دانش اندک ساینس انسانرا ملحد می سازد اما علم کامل ساینس انسان را خداشناس می سازد. »  
امروز ساینسدانان انواع خدا را محو می نمایند نه خدا را! اگر ما این جمله را به عربی برگردانیم لاله الا الله می شود.

برای ثبوت این موضوع که قرآن پاک بدون شک و شبه کلام واقعی خداوند(ج) است و برای ما بصورت کامل وبدون هیچ نوع کمی و زیادت و تغییرات، همانطوریکه برحیب خدا حضرت محمد مصطفی زیادت و تغییرات، همانطوریکه برحیب خدا حضرت محمد مصطفی(ص) نازل گردیده بود لفظ به لفظ به ما رسیده بسیار آسان است و قسمیکه چند موارد اندک را اختصاراً بیان نمودیم انبار دلایل دیگر نیز وجود دارد.

## آخرت زندگی بعد از مرگ

چطور موجودیت آخرت و زندگی بعد از مرگ را می توانید ثبوت کنید؟

**جواب:**

### ۱. ایمان به آخرت عقیده ی کور کورانه نیست

اکثر مردم از اینکه چطور یک شخص با نظر علمی و منطقی به زندگی بعد از مرگ عقیده و ایمان می آورد به حیرت می افتند. مردم به این باور اند که کسانی که به آخرت باور دارند. باور آنها کور کورانه و غیر منطقی است اما عقیده ی من به آخرت به استدلال منطقی استوار است.

### ۲. ایمان به آخرت عقیده منطقی است

بیشتر از هزار آیت حاوی حقایق علمی در قرآن کریم وجود دارد که حقیقت ها را به شکلی از اشکال بیان می کند (به کتابم «قرآن و ساینس جدید- سازگار یا ناسازگار؟»<sup>۱</sup> مراجعه شود). بسیاری از حقایق ذکر شده در قرآن کریم در چند قرن اخیر کشف شده اند اما ساینس به آن حدی پیشرفت نکرده تا تمام جملات و نشانه های علمی قرآن را ثابت کند.

۸۰ فیصد آنچه در قرآن کریم آمده ۱۰۰ فیصد درست ثابت شده و در باره ی ۲۰ فیصد دیگر آن، ساینس هنوز هیچ نظر قاطع ندارد، چون ساینس به آن حد نرسیده که بتواند همه ادعای قرآن کریم را ثابت و یا رد کند. با علم محدودی که ما داریم نمی توانیم به یقین بگوییم که از جمله ۲۰ فیصد متباقی. یک آیت و یا یک فیصد آن نادرست باشد.

پس چون ۸۰ فیصد قرآن ۱۰۰ فیصد درست است و متباقی ۲۰ فیصد آن حتا ۱ فیصد هم رد نشده، منطقی می گوید که ۲۰ فیصد متباقی آن نیز کاملا درست است. موجودیت آخرت که در قرآن کریم ذکر شده در جمع ۲۰ فیصد مبهم است که بر اساس منطق من درست است.

### ۳. عقیده به صلح و صفا و ارزش های انسانی بدون مفهوم آخرت بی معنا است

آیا دزدی عملی خوب است و یا بد؟ جواب هر شخص عادل و با منطق آنرا نفی می کند. چطور یک شخص که به آخرت ایمان ندارد می تواند یک جنایتکار قدرتمند و با نفوذ را بر این امر قانع سازد که دزدی یک عمل زشت و ناپسند است؟

تصور کنید که من یک جنایتکار بزرگ، قدرتمند، بانفوذ و در عین حال یک شخص هوشیار و منطقی استم. من به این باورم که دزدی عملی خوبی است و مرا در امورات زندگی مجلل کمک می کند. از همین سبب دزدی برای من شغل خوب است.

اگر کسی بتواند دزدی را با دلایل منطقی عمل بد و ناپسند ثابت کند، من از آن فوراً دست بردار می شوم.

برای حل این مسئله عموماً مردم دلیل های آتی را بیان می دارند:

■ شخصی که مالش ربوده میشود با مشکلات مواجه می گردد

بعضی ها می گویند مال کسی که ربوده می شود، با مشکلات مواجه میگردد. من هم موافق هستم و می گویم برای چنین شخص زیان آور است. اما برای من کار خوبی است. اگر هزار دالر دزدی کنم، می توانم از غذا های لذیذ در یک رستوران پنج ستاره اذت ببرم.

■ اگر کسی مال شما را بدزدد؟

ممکن بعضی ها بگویند که روزی کسی دیگری مال خودم را بدزدد. هیچ کسی نمی تواند مال مرا بدزدد زیرا من یک جنایتکار قدرتمند هستم و صدها محافظ دارم. من می توانم مال هر کسی را که خواسته باشم غارت کنم ولی هیچ کسی نمی تواند مال مرا غارت کند. غارت و دزدی ممکن شغلی بد برای یک فرد عام باشد اما نه برای شخص با نفوذی مانند من!

■ اگر پولیس شما را دستگیر کند؟

ممکن بعضی ها بگویند، اگر شما دزدی کنید توسط پولیس دستگیر می شوید. پولیس مرا دستگیر نمی کند زیرا پولیس و وزیران در جمع کسانی اند که به آنها معاش می پردازم. من هم به این باور است که اگر یک فرد عام دزدی کند، زود دستگیر شده و در نهایت برای وی خوب نخواهد بود، اما من یک جنایتکار فوق العاده قدرتمند و بانفوذ استم.

برایم یک دلیل منطقی بیاورید تا از دزدی دست بردار شوم.

■ پولی است که به آسانی بدست می آید

بعضی ها می گویند پول دزدی به آسانی بدست می آید. من هم کاملاً موافق هستم که از دزدی پول به آسانی میسر می شود و این یکی از دلایلی است که من دزدی میکنم. اگر کسی دو گزینه برای بدست آوردن پول داشته باشد (یکی به آسانی و دیگری با مشکلات) حتماً راه آسان را انتخاب می کند.

#### ▪ دزدی و غارت خلاف انسانیت است

بعضی ها می گویند که این عمل خلاف انسانیت است و اشخاص ذی دخل باید در باره ای دیگران فکر کنند. برعکس من می پرسم که چه کسی قانون «انسانیت» را نوشته و چرا من از آن پیروی کنم؟ این قانون برای اشخاص با عاطفه و احساساتی خوب است اما من یک شخص منطقی هستم و در دلسوزی با مردم دیگر هیچ فایده ی نمی بینم.

#### ▪ دزدی و غارت یک عمل خود خواهانه است

بعضی ها می گویند که چور و چپاول خود خواهی و خود پرستی است. می پذیرم که دزدیدن و غارت کردن عمل خود خواهانه است؛ اما چرا من خود خواه نباشم؟ خود خواهی مرا در لذت بردن از زندگی مجلل کمک می کند.

#### ۴. هیچ دلیل منطقی وجود ندارد که دزدی را عمل زشت ثابت کند

از اینرو همه دلیل ها برای اثبات دزدی من حیث یک عمل زشت قاصر اند. این دلایل افراد عام را قانع میسازد اما جنایتکاران بزرگ و با نفوذ را هرگز قانع ساخته نمی تواند. هیچ یک از دلایل متذکره بر استناد عقل و منطق پشتیبانی نمی شوند.

میدانیم که تعداد زیاد جنایتکاران در دنیا وجود دارد. همچنان تجاوز جنسی، تقلب، فریب... برای اشخاصی چون خودم «خوب» جلوه میدهند و هیچ دلیل منطقی وجود ندارد تا مرا بر زشتی و ناپسندیدگی این اعمال قانع سازد.

#### ۵. یک مسلمان می تواند جنایتکار قدرتمند را قانع سازد

حالا بیایید نقش های خود را عوض کنیم. فرض کنید شما یکی از قدرتمندترین و بانفوذترین جنایتکاران هستید که پولیس و وزیران را با پول می خرید و نیروی مجهز برای محافظت خود دارید.

من مسلمانی هستم که شما را معتقد می سازم بر اینمه دزدی، فحشاء، تجاوز، تقلب فریب... اعمال زشت و ناپسند هستند.

حال اگر عین دلایل بالا را برای اثبات دزدی من حیث عمل بد و ناجایز دوباره در میان بگذاریم، جنایتکار عین دلایل را که قبلا ارایه کرد، تکرار می کند.

#### ۶. هر انسان طالب انصاف است

تمام انسانها خواهان انصاف هستند. حتما اگر آنها برای دیگران انصاف نخواهند برای خود انصاف می خواهد. بعضی ها با قدرت و تجمل آنقدر بیخود شده اند که به دیگران درد، رنج و خسارات زیادی وارد می کنند و اگر بالای خود آنها ظلم شود، حتما اعتراض می کنند. دلیل اینکه این گروه اشخاص در اذیت کردن دیگران بی احساس می شوند این است که آنها قدرت و تجمل رامی پرستند. آنها به این اندیشه اند که قدرت و نفوذ نه تنها آنها را قادر به تحمیل ظلم و تعدی بالای دیگران می سازد بلکه دیگران را از تحمیل چنین اعمال بالای خود آنها باز می دارد.

#### ۷. خداوند(ج) از همه مقتدر و عادل است

من من حیث یک مسلمان، این جنایتکار را قانع می سازم که خداوند وجود دارد و دلایلی برای اثبات وجود خداوند(ج) می آورم ( به دلایلی که موجودیت خداوند(ج) را ثابت می سازد مراجعه شود). خداوند(ج) بی نهایت بیشتر از شما مقتدر و در عین حال منصف است.

قرآنکریم می فرماید:

«خداوند(ج) حتما به اندازه سنگینی ذره ای ستم نمی کند» {قرآنکریم ۴: ۴۰}

#### ۸. چرا خداوند(ج) مرا مجازات نمی کند؟

حالا این جنایتکار که یک شخص علمی و منطقی است به وجود خداوند(ج) عقیده دارد (بعد از اینکه حقایق علمی قرآنکریم به او پیشکش گردید)، چنین دلیل می آورد: با وجود اینکه خداوند(ج) قادر و عادل است، پس چرا مرا مجازات نمی کند؟

#### ۹. کسانی که ظلم و ستم می کنند باید مجازات شوند

هر کسی که رنج و ستم کشید باشد بدون در نظر داشت وضعیت مالی و یا اجتماعی خود، حتما می خواهد تا ظالم مجازات کرده شود. هر فرد عام می خواهد که دزد، رهن، زناکار، متجاوز... به سزای اعمال خود برسد. با وجودیکه تعداد زیاد جنایتکاران مجازات می شوند، اما بعضی از آنها معاف شده و بدون مجازات از بند رها می شوند سپس زندگی خوش آیندی را سپری کرده از آن لذت می برند. اگر بالای

شخص قدرتمند توسط شخص قدرتمندتری ظلم شود، حتا همان شخص اول آرزو دارد تا اشخاصی مانند شخص دوم به سزای عملکرد خود برسند.

### ۱۰. زندگی امتحان آخرت است

زندگانی ما در این دنیا جز امتحان برای آخرت نیست. ارشاد ربانی است:

«آنکس مرگ و حیاب را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می کنید، و او شکست ناپذیر و بخشنده است» {قرآنکریم ۲:۶۲}

### ۱۱. عدالت نهایی در روز آخرت

خداوند(ج) می فرماید:

«هرکس مرگ را می چشد و شما پاداش خود را بطور کامل در روز قیامت خواهید گرفت؛ آنها که از آتش (دوزخ) دور شده، و به بهشت وارد شوند نجات یافته و رستگار شده اند و زندگی دنیا، چیزی جز سرمایه فریب نیست!» {قرآنکریم ۳:۱۸۵}

قضاوت نهایی یعنی مکافات و مجازات نهایی در روز آخرت صورت می گیرد. بعد از اینکه شخصی می میرد، دوباره در روز آخرت با دیگر انسانها حشر می شود و از اعمال او باز پرس صورت میگیرد. ممکن بعضی اشخاص قسمتی از جزای اعمال خود را در این دنیا ببینند ولی پاداش نهایی و کامل اعمال تنها و تنها در روز آخرت داده می شود.

امکان دارد خداوند(ج) یک دزد یا یک متجاوز را در این دنیا مجازات نکند، اما اوحتما در روز آخرت برای کرده هایش مسوول شمرده شده و مجازات کرده می شود.

### ۱۲. قانون انسانی هتلر را چگونه مجازات خواهد کرد؟

هتلر در دوران حکمروایی خود شش میلیون یهودی را در داخل اتاق های مملو از گاز به آتش کشید. حتا اگر هتلر توسط پولیس دستگیر می گردید، قانون انسانی چه سزایی به هتلر می داد تا معادل کرده هایش می شد؟ بیشترین کاری که می توانستند انجام دهند این بود که او را نیز در اتاق مملو از گاز می انداختند و به آتش می کشیدند؛ اما این بدل کشتن یک یهود است، در برابر پنج میلیون ونه صدونود و نه هزار و نه صدونود و نه یهودی دیگر چه کاری می توانستند انجام دهند؟

۱۳. خداوند(ج) می تواند هتلر را بیش از شش میلیون مرتبه در آتش بسوزاند خداوند(ج) در قرآکریم می فرماید:

«کسانی که به آیات ما کافر شدند، بزودی آنها را در آتشی وارد می کنیم که هر گاه پوستهای تن شان (در آن) بریان گردد (وبسوزد)، پوستهای دیگری به جای آن قرار می دهیم، تا کيفر(الهی) را بچشند، خداوند توانا و حکیم است (وروی حساب، کيفر می دهد).» {قرآنکریم ۴: ۵۶}

اگر خداوند(ج) بخواهد، میتواند هتلر را شش میلیون بار در روز آخرت در آتش بسوزاند.

۱۴. مفهوم ارزش های انسانی و یا خوب و بد بدون ایمان به آخرت دانسته نمی شود

واضح است که بدون معتقد ساختن کسی به آخرت و زندگی بعد از مرگ، ثابت ساختن مفهوم ارزش های انسانی و طبیعت خوب و بد اعمال برای کسی که ظلم می کند – خصوصا هنگامی که با نفوذ و قدرتمند باشد، ناممکن است؛ پس ثابت ساختن وجود آخرت برای او حتمی و لازمی می باشد.

## چرا مسلمانان به مذاهب مختلف تقسیم شده اند؟

اگر مسلمانان از یک قرآن واحد پیروی می کنند، پس چرا میان مسلمانان مذاهب مختلف و مکاتب فکر جداگانه وجود دارد؟

**جواب:**

### ۱. مسلمانان باید متحد باشند

این یک حقیقت بسیار تلخ است که امروز مسلمانان در بین خود تقسیم شده اند و خیلی ها جای تاسف است زیرا چنین اشتقاقات و تفرقه ها در اسلام کاملا ناپسندیده است. اسلام خواهان پرورش و تقویت اتحاد میان مسلمانان است. خداوند(ج) ارشاد می فرماید: «وهمگی به ریسمان خدا ( قرآن و اسلام) چنگ زنید، و پراکنده نشوید.» {قرآن کریم ۳: ۱۰۳}

ریسمان خداوند(ج) چه است که در این آیت به آن اشاره شده؟

همانا ریسمان خداوند(ج) قرآن عظیم الشان است که تمام مسلمانان باید آنرا محکم گیرند. در این آیت دو تاکید وجود دارد: بر علاوه اینکه گفته شده «تمام تان محکم بگیرید» همچنان خطاب شده «و تقسیم نشوید».

همچنان خداوند(ج) می فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر او را! {قرآن کریم ۴: ۵۹}

پس همه مسلمانان باید از قرآن کریم و احادیث صحیح پیروی کنند و در بین خود تقسیم و گروه گروه نشوند.

### ۲. ساختن مذاهب و بوجود آوردن فرقه ها در اسلام ممنوع است

ارشاد خداوند تعالی است:

«کسانی که آیین خود را پراکنده ساختند، و به دسته های گوناگون (مذاهب مختلف) تقسیم شدند، تو هیچ گونه رابطه ای با آنها نداری! سر و کار آنها با خداست؛ سپس خدا آنها را از آنچه انجام می دادند، خیردار می کند.» {قرآن کریم ۶: ۵۹}

در این آیت خداوند(ج) می فرماید که ما باید خود را از کسانی که دین خود را تقسیم می کنند و به فرقه های گوناگون تقسیم میشوند جدایی کنیم اما هنگامی که از یک مسلمان پرسیده شود شما که هستید؟

جواب معمولاً همین است که من سنی هستم و یا من شیعه هستم. بعضی ها خود را حنفی و یا شافعی و یا مالکی و یا حنبلی خطاب میکنند در هنگامی که بعضی ها میگویند من دیوبندی هستم و بعضی دیگر می گویند «من بریلوی هستم»

### ۳. مذهب پیغمبر ما محمد(ص) چه بود؟

اگر از همین مسلمانان پرسیده شود «پیغمبر ما حضرت محمد(ص) پیرو کدام مذهب بود؟» آیا او حنفی بود و یا شافعی، مالکی بود و یا حنبلی؟

نخیر! او یک مسلمان بود، مانند دیگر تمام پیغمبران الله(ج) که قبل از آن حضرت(ص) آمده بود. در سوره ال عمران آیت ۵۲ خداوند(ج) فرموده که عیسی(ع) مسلمان بود و در آیت ۶۷ همین سوره آمده است که ابراهیم(ع) یهودی و نصرانی نبود، بلکه او هم یک مسلمان بود.

### ۴. خداوند(ج) ما همه را مسلمان خطاب می کند

**الف:** اگر کسی از یک مسلمان بپرسد که «شما کی هستید؟» او باید بگوید «من مسلمان هستم» نه اینکه حنفی و یا شافعی. آیت ۳۳ سوره فصلت چنین می فرماید: «چه کسی خوش گفتارتر از آن کسی که دعوت به سوی خدا می کند و عمل صالح انجام میدهد و می گوید: من از مسلمانانم!» {قرآن کریم ۴۱: ۳۳}

**ب:** هنگامی که پیغمبر(ص) به پادشاهان و رهبران کفار نامه می نوشتند و آنها را به اسلام دعوت می نمودند، در نامه ها، آیت ۶۴ سوره ال عمران را تذکر می دادند: «بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است که جز خداوند(ج) یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم و بعضی از ما، بعضی دیگر را – غیر از خدای یگانه – به خدایی نپذیرید. هرگاه «از این دعوت» سرباز زنند، بگویید: گواه باشید که ما مسلمانیم» {قرآن کریم ۶۳: ۳}

### ۵. به همه عالمان بزرگ اسلام احترام می کنیم

ما باید به تمام عالمان اسلام شامل ۴ امام بزرگ (امام ابوحنیفه، امام شافعی، امام احمد حنبل و امام مالک(رح)) احترام داشته باشیم. آنها عالمان بزرگ بودند – خداوند اجر تحقیقات و زحمات شانرا نصیب شان گرداند. اگر کسی با نظریات و تحقیقات امام ابوحنیفه، امام شافعی... موافقت کند، دیگران نباید با او مخالفت کنند و نباید بالای او اعتراض نمایند. ولی هنگامیکه پرسیده شود «شما کی هستید؟» باید تنها و تنها یک جواب باشد و آن اینکه «من مسلمان هستم!».

برخی از مردم با استناد به حدیث ۴۵۷۹ سنن ابوداود میگویند:

در این حدیث پیغمبر(ص) فرموده اند: «پیروان من به ۷۳ فرقه (مذهب) تقسیم می شوند» {سنن ابوداود: {۴۵۷۹

این اشاره بر آن است که پیغمبر(ص) از ظهور ۷۳ مذهب خبر داده بودند. ایشان هرگز نگفته اند که مسلمانان در ساختن و تقسیمات به مذاهب فعال باشند. الله متعال امر می کند که ما باید مذاهب نسازیم. کسانی که تعلیمات قرآنکریم و احادیث صحیح را پیروی می کنند و به مذاهب تقسیم نمی شوند از جمله کسانی اند در صراط مستقیم (راه راست) قرار دارند.

نظر به حدیث ۱۷۱ ترمذی، از پیغمبر(ص) روایت شده:

«امت من به ۷۳ گروه تقسیم می شود و بجز یک گروه، متباقی همه در آتش دوزخ اند.» اصحاب کرام پرسیدند: «آن کدام گروه است؟» در جواب فرمودند: «این همان گروهی است که وابسته به من و اصحابم هستند.»

در چندین آیت قرآن عظیم الشان آمده: «از خدا ورسولش پیروی کنید.» پس مسلمان واقعی باید تنها از قرآن عظیم الشان و احادیث صحیح پیروی کند و می تواند با نظریات هر عالمی تا آنجا که مطابقت با اصول قرآن و احادیث صحیح دارد موافقت کند. اگر چنین نظریات خلاف کلام الله و سنت پیامبر او(ص) باشد، بدون در نظر داشت فهم و دانش شخص عالم – هیچ ارزشی در بر ندارد.

اگر همه مسلمانان قرآنکریم را با درک معنای آن بخوانند و از احادیث صحیح پیروی کنند، انشاءالله اکثریت اختلافات از بین رفته و می توانیم به یک امت مسلمان واحد مبدل شده و با صلح و صمیمیت زندگی کنیم.

## همه ادیان انسان را تعلیم به نیکو کاری و صداقت میدهند، پس چرا تنها از اسلام پیروی شود؟

اساساً همه ادیان پیروان خود را به اجرای اعمال شایسته و نیک تعلیم می دهند. چرا انسان صرف تابع اسلام باشد؟ آیا او نمی تواند یکی از ادیان دیگر را پیروی کند؟

**جواب:**

### ۱. فرق عمده میان اسلام و اکثریت دین های دیگر

عمدتاً تمام دین ها بشر را به نیکو کاری تشویق و از شر و بد کاری نهی می کنند اما اسلام از آن پا فراتر می نهد. اسلام ما را به طرف راه های عملی رسیدن به رستگاری و محو بدی از زندگی فردی و اجتماعی رهنمایی می کند. اسلام رهنمایی بی است از طرف خالق ما و از همین سبب اسلام «دین الفطره» یعنی دین طبیعی انسان نامیده می شود.

### ۲. مثال اسلام ما را به اجتناب از دزدی امر نموده و شیوه ی از بین بردن آنرا نیز تجویز کرده

الف: اسلام شیوه ای از بین بردن دزدی را تجویز می کند

در مجموع همه دین های بزرگ تعلیم می دهند که دزدی عمل بد است و در عین حال اسلام نیز همین اصل را تعلیم میدهد. پس چه تفاوتی میان اسلام و ادیان دیگر وجود دارد؟ حقیقت در اینجاست که اسلام علاوه از اینکه می گوید دزدی عمل بد است، ساختار بیرون رفت مناسب اجتماعی را که با مراعات آن مردم از این عمل دستبردار می شوند؛ پیشکش می کند.

ب: اسلام نظام زکات را که عبارت از پرداخت صدقه ی الزامی سالانه می باشد پیشکش می کند. نظر به قانون اسلامی، پس انداز هر آن شخصی که از اندازه ی نصاب تجاوز کند: یعنی بالاتر از ۸۵ گرام طلا باشد، ۲/۵٪ پس انداز را هر سال قمری باید صدقه بدهد، هر شخصی ثروتمند دنیا صداقت‌مندانانه از مال خود زکات بدهد. فقر از دنیا ریشه کن شده و حتی یک انسان هم از گرسنگی هلاک نخواهد شد.

ج: قطع دست منحصیث مجازات سرقت

اسلام قطع نمودن دست دزد را منحصیث مجازات سرقت تجویز می کند. خداوند(ج) در سوره المائده می فرماید:

«دست مرد دزد وزن دزد را، به کیفر عملی که انجام داده اند، به عنوان یک مجازات الهی قطع کنید! و خداوند توانا و حکیم است.» {قرآن کریم ۵: ۳۸}

افراد غیر مسلمان ممکن بگویند «قطع دستان در قرن ۲۰! اسلام دین وحشت و یک دین بی اساس است»  
د: نتایج حاصله بعد از تطبیق شریعت اسلامی

ایالات متحده ی امریکا یکی از متری ترین کشورهای جهان محسوب می شود اما متأسفانه دارای بیشترین آمار جرایم از جمله سرقت و راهزنی... نیز میباشد. فرض کنید شریعت اسلامی در امریکا تطبیق شود به عباره دیگر هر فرد ثروتمند از مال خود زکات دهد (۲/۵٪ پس انداز بالاتر از ۸۵ گرام طلا در هر سال قمری)، و برای سرزنش دست هر شخص محکوم به دزدی قطع شود. آیا آمار سرقت و راهزنی در امریکا افزایش می یابد، بحالت خود باقی می ماند و یا کاهش می یابد؟ هر شخص با منطق خواهد گفت که طبعاً کاهش می یابد. علاوه بر این موجودیت چنین قانون محکم اکثریت دزدان را دلسرد و کم جرأت می سازد.

میدانم میزان قضیه های سرقت که امروز صورت می گیرد آنقدر زیاد است که اگر دستان تمام سارقین قطع شود، هزاران شخص را میبینیم که دستان شان از همین سبب قطع شده باشد. نکته ی اصلی اینست که از همان دقایق نخستین تطبیق این قانون، میزان سرقت فوراً کاهش می یابد و دزدان قبل از به خطر انداختن دستان خود عمیقاً در این باره فکر می کند و مجرد تصور مجازات در ذهن شان، اکثریت آنها را دلسرد می سازد و تعداد انگشت شماری باقی می ماند که از اعمال خود دست بردار نمی شوند. از اینرو صرف دست چند نفر محدود قطع می گردد اما میلیون ها انسان بدون تشویش، با صلح و امنیت زندگی آرام بسر می برند. از همین سبب شریعت اسلامی طریقه ی موثر بوده و شاهد نتایج مثمر است.

**۳. اسلام آزار رسانیدن و تجاوز بالای عفت زنان را شدیداً منع می کند ازینرو حجاب را سفارش کرده و متجاوز را به اشد مجازات محکوم می دارد**

الف: اسلام شیوه ی از بین بردن اذیت و تجاوز را بیان می کند تمام ادیان بزرگ آزار رسانیدن به زنان و تجاوز بالای آنها را از گناهان کبیره شمرده اند- اسلام نیز عیناً همین اصل را تعلیم می دهد. پس چه تفاوتی میان اسلام و ادیان دیگر وجود دارد؟ تفاوت در این است که اسلام نه تنها ما را به احترام طبقه اناث نصیحت کرده بلکه آزار رسانیدن و تجاوز به عفت آنان را از گناهان بزرگ می شمرد و همزمان راهنمودها روشن برای محو آن از جامعه بیان می دارد.

ب: حجاب برای مردان

« به مردان مومن بگو چشم های خود را (از نگاه به نامحرم) فروگیرند، و عفاف خود را حفظ کنند، این برای آنان پاکیزه تر است؛ خداوند از آنچه انجام می دهید آگاه است!» {قرآن کریم ۲۴:۳۰}

یعنی در لحظه ی که یک مرد به طرف یک زن نگاه کند و در ذهنش گمان بد و فکرگستاخانه خطور کند، حتما باید نگاه خود را فروگذارد.

ج: حجاب برای زنان

حجاب برای زنان در آیت بعدی سوره النور ذکر گردیده:

«وبه زنان با ایمان بگو چشمان خود را (از نگاه های هوس آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را- جز آن مقدار که نمایان است - آشکار ننمایند و (اطراف) روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تاگردن و سینه با آن پوشانیده شود) و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، یا پدران شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادران شان، یا پسران خواهران شان، یا زنان هم کیششان، یا بردگانشان (کنیزانشان) یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛ و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود (و صدای خلخال که برپا دارند به گوش رسد). و همگی بسوی خدا باز گردید ای مومنان، تا رستگار شوید!» {قرآن کریم ۳۴:۳۱}

معیار حجاب برای زنان آنست که تمام بدن پوشانیده شود - تنها قسمت های که می تواند ظاهر شود، روی و دستان تا بندها است ولی اگر آنها بخواهند می توانند این قسمت های بدن را نیز ببوشانند. هرچند بعضی علمای اسلامی تاکید بر پوشانیدن روی نیز دارند.

د: حجاب از ادیت شده جلوگیری می کند

دلیل اینکه چرا حجاب برای زنان تجویز گردیده در سوره الاحزاب بیان شده:

«ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مومن بگو: جلباب ها (روسری های بلند) خود را بر روی خویش فروافکنند (هنگامیکه بیرون شوند)، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است. خداوند همواره آمرزنده ی رحیم است.» {قرآن کریم ۳۳:۵۹}

فرموده ی خداوند(ج) است که حجاب برای زنان بسببی تجویز گردیده که منحصیث زنان با حیا شناخته شوند زیرا این پوشش از ادیت شدن جلوگیری می کند.

## ه: مثال خواهرهای دوگانگی

فرض کنید دو خواهری که دوگانگی هستند و هر دوعین زیبایی دارند؛ در یک جاده قدم می زنند. یکی از آنها با حجاب اسلامی ملبس است به عباره ی دیگر بجز روی و دستان او تا بند ها باقی تمام بدن او پوشیده است. خواهر دیگر لباس های غربی بر تن دارد یعنی دامن کوتاه ویا پتلون کوتاه. در همان نزدیکی یک ولگرد منتظر موقع است تا دختری را اذیت کند. او کدام یک از آنها را اذیت خواهد کرد؟ دختری را که با حجاب اسلامی ملبس است ویا دختری را که شلوار کوتاه ویا دامن کوتاه بر تن دارد؟ لباس های که به عوض پوشانیدن بدن، بدن را بیشتر نمایش داده و آشکار می سازند سبب وسوسه ی غیر مستقیم در دل جنس مخالف برای آزار، اذیت و تجاوز می شود. قرآنکریم این حقیقت را بسیار خوب بیان می کند که حجاب از اذیت شدن زنان جلوگیری می کند.

## و: مجازات اعدام برای متجاوز

شریعت اسلامی اشد مجازات (حکم اعدام) را برای متجاوز تعیین نموده. ممکن غیرمسلمان از چنین کیفر سختگیرانه در این عصر در وحشت افتاده و اسلام را به دین ظلم و وحشت متهم سزند. من از صدها مرد غیر مسلمان یک سوال معمولی پرسیده ام خدا نکند! فرض کنید، کسی بالای همسر، مادر ویا خواهر شما تجاوز کند و متجاوز را نزد شما آورده و شما را قاضی تعیین می کنند؛ شما او را به چه سزایی محکوم می سازید؟ همه ایشان گفتند: «اورا سر میزنیم» حتا بعضی گفتند: «اورا زیر شکنجه به قتل میرسانیم!»

چرا اگر بالای همسر ویا مادر شما تجاوز شود، شما فاعل را به قتل می رسانید ولی اگر بالای همسر ویا مادر کسی دیگر تجاوز شود، اعدام نمودن او قانون وحشت است. چرا یک بام و دو هوا؟

## ز: بلندترین آمار تجاوز جنسی را ایالات متحده امریکا دارد

ایالات متحده امریکا یکی از پیشرفته ترین کشورهای جهان به شمار می رود اما جای تاسف در این است که بلند ترین آمار تجاوز را نیز داراست. یک گزارش از دفتر بازرسی فدرال (FBI) حاکیست که در سال ۱۹۹۰م ۱۰۲۵۵۵ قضیه ی تجاوز جنسی نزد پولیس ثبت گردیده و میافزاید که این رقم ۱۶٪ قضایای تجاوز جنسی در این سال است که به پولیس اطلاع داده شده. پس برای دانستن شمار حقیقی واقعات تجاوز در سال ۱۹۹۰ آمار ثبت شده را در ۶,۲۵ ضرب می نماییم که در نتیجه تعداد ۶۴۰۹۶۸ قضیه بدست می آید که بیانگر تعداد واقعات تجاوز جنسی در سال ۱۹۹۰ است. اگر همین مجموعه تقسیم تعداد روز های سال شود، حد اوسط ۱۷۵۶ واقعه تجاوز در هر روز بدست می آید.

بعدهتر گزارش دیگری از ۱۹۰۰ قضیه تجاوز جنسی در هرروز خبر داد. به نقل از گزارش احصاییه محکمه کمیته بررسی قربانیان جنایات ملی (وزارت عدلیه ایالات متحده) در سال ۱۹۹۶م از ۳۰۷۰۰۰ قضیه ی تجاوز جنسی خبر داده شده که این رقم ۳۱٪ قضایای حقیقی است که در این سال بوقوع پیوسته، بنا براین بیشتر از ۹۹۰۳۲۲ واقعه ی تجاوز جنسی در سال ۱۹۹۶ صورت گرفته که حد اوسط روزانه ی آن ۲۷۱۳ قضیه را نشان ی دهد یعنی در هر ۳۲ ثانیه یک واقعه ی تجاوز در ایالات متحده رخ می دهد. احتمال دارد که در این اواخر این تعداد افزایش یافته باشد. گزارش سال ۱۹۹۰ میافزاید؛ از جمله قضایای که نزد پولیس ثبت شده تنها عاملان ۱۰٪ قضایا دستگیر شده ۵۰٪ فیصد آنان قبل از محاکمه رها گردیده اند یعنی در حقیقت صرف ۰٫۸٪ متجاوزین محکمه شده اند. به عباره ی دیگر اگر کسی مرتکب ۱۲۵ قضیه تجاوز جنسی شود. شانس مجازات او صرف یکبار است. از اینرو اکثریت مردم ای عمل فاحش را قمار خوبی می شمارند. گزارش میافزاید که از جمله کسانی که مجازات شده اند ۵۰٪ آنها محکوم به حبس کمتر از یک سال گردیده اند. درحالیکه در قانون امریکا برای متجاوز جنسی ۷ سال حبس تعیین گردیده؛ با آن هم محکمه از خلاف کاریکه برای بار اول این عمل فاحش را مرتکب می شود چشم پوشی میکند. تصور کنید یک شخص مرتکب ۱۲۵ قضیه تجاوز می شود ولی تنها یکبار مجازات می شود ودر ۵۰٪ واقعات قاضی از نرمی کار گرفته وفاعل را به کمتر از یک سال محکوم می سازد!

#### ی: نتایج حاصله از تطبیق شریعت اسلامی

فرض کنید شریعت اسلامی در امریکا تطبیق می گردد و هنگامیکه یک مرد بطرف یک زن نگاه کند و مفکوره ی شرم آور و بد در ذهن او خطور کند. نظر خود را پایان افکند و همه زنان با حجاب اسلامی ملبس باشند یعنی تمام بدن آنها بجز روی و دست تا بندها پوشیده باشد و بعد از این اگر کسی مرتکب تجاوز گردد اعدام کرده شو. سوال این است که آیا میزان تجاوز در امریکا افزایش می یابد، بحالت اول باقی می ماند ویا کاهش می یابد؟ طبعاً کاهش می یابد یعنی تطبیق شریعت اسلامی به نتایج مثمر می انجامد.

#### ۴. اسلام راه حل واقعی مشکلات بشری است

اسلام بهترین راه زندگی است زیرا تعلیمات آن خطابه های بدون توجه به مقتضیات زمان نیست بلکه راه بیرون رفت مناسب و سودمند برای مشکلات بشریت است. اسلام در سطح فردی و اجتماعی شاهد دست آورد های مثمر بوده؛ دین جامع جهانی، آزموده شده و مفید است که به هیچ گروه نژادی و ملیتی محدود نشده است.

## تفاوت زیاد میان اسلام و عملکرد واقعی مسلمانان

اگر اسلام بهترین دین ها است پس چرا اکثریت مسلمانان دغل و غیر قابل اعتماد هستند و به کار های تقلب، رشوه ستانی، معاملات مواد مخدر... آغشته هستند؟

جواب:

### ۱. رسانه ها اسلام را بد نام می سازند

**الف:** اسلام بدون شک بهترین دین ها است اما رسانه ها در دست غربی های قرار دارد که در هراس اند، رسانه ها پی در پی اطلاعات و برنامه ها برخلاف اسلام به نشر می رسانند. آنها بر ضد اسلام یا خبرنگارست تهیه می کنند، یا موضوعات را غلط نقل می کنند و یا هم بعضی موضوعات را خارج از قیاس ارایه می کنند.

**ب:** هر وقت و هر جا که انفجاری رخ می دهد، اولین گروهی که بدون ثبوت همواره متهم می شوند مسلمانان هستند و این موضوع با خط درشت در سرخط اخبار به چشم می رسد. بعد که اطلاع می یابند غیر مسلمانان مسوول واقعه بودند، بحیث یک موضوع ناچیز در اخبار جلوه می نماید.

**ج:** اگر یک مرد مسلمان ۵۰ ساله با دختر ۱۵ ساله با رضایت او ازدواج کند، در صفحه اول نشریه ها به چاپ می رسد ولی اگر یک مرد ۵۰ ساله غیر مسلمان بالای دختر ۶ ساله تجاوز کند، دربخش اخبار کوتاه در صفحات داخلی به نشر می رسد. در امریکا روزانه ۲۷۱۳ قضیه ی تجاوز رخ می دهد اما چیزی از آن در اخبار ذکر نمی شود زیرا تجاوز جنسی به یکی از فعالیت های روزانه امریکایی ها مبدل شده!

### ۲. افراد روسیاه در هر جامعه وجود دارد

بعضی از مسلمانان متقلب، غیر قابل اعتماد، دغل... هستند اما رسانه ها قسمی منعکس می سازند که تنها مسلمانان در چنین فعالیت ها دخیل اند.

افراد بد و روسیاه در هر جامعه وجود دارد حتا بعضی از مسلمانان دایم الخمر اند که در این عرصه از غیر مسلمانان پیشی می گیرند!

### ۳. در مجموع مسلمانان از بهترین ها هستند

با وجود اینکه بعضی اشخاص بد در جامعه اسلامی نیز وجود دارد، بهترین جامعه را در دنیا ما مسلمانان تشکیل می دهیم. در مجموع ما بزرگترین جامعه ی هستیم که شراب نمی نوشیم. ما جامعه یی هستیم که بیشترین صدقات را به فقرا در سطح جهان می دهیم. وقتیکه سخن از عفت، فروتنی، اعتدال، متانت، ارزش های انسانی و اخلاق برده می شود، در مجموع هیچ جامعه یی وجود ندارد ک حتا به مثابه یک شمع در مقابل نور اسلام بتابد!

### ۴. موتر را از روی راننده قیاس نکنید

اگر بخواهید در باره ی آخرین مدل موتر مرسدیز بدانید که چطور طراحی شده؛ و یک شخصی که اصلا نمی داند چطور رانندگی کند عقب جلو می نشیند و از وحشت زیاد موتر را از فعالیت می اندازد، کی را مقصر می دانید؟ موتر را ویا راننده را؟ طبعاً راننده مقصر است. برای اینکه خوبی های موتر ملاحظه شود، باید به راننده نبینیم بلکه به شایستگی و مشخصات موتر نگاه کنیم یعنی در باره ی حد نهایی سرعت، کیفیت، مصرف روغنیات، پیشگیری های امنیتی... معلومات حاصل کنیم.

حالا حتا اگر بپذیریم که مسلمانان در مجموع اشخاص بد هستند، اسلام را توسط پیروانش قضاوت نمیتوانیم! اگر بخواهیم بدانیم که اسلام چگونه است ودر باره ی آن قضاوت کنیم پس باید آنرا از دیدگاه منابع درست آن که عبارت از قرآنکریم و احادیث صحیح می باشد مطالعه کنیم.

### ۵. اسلام را از روی بهترین الگواش حضرت محمد(ص) مطالعه کنید

اگر بخواهیم عملاً خوبی های یک موتر را بدانیم، یک راننده ی ماهر را عقب جلو قرار میدهم. به همین نحوه توسط کاملترین و بهترین الگوی که می توانیم اسلام را مطالعه کنیم –آخرین پیامبر اسلام حضرت محمد(ص) است.

علاوه برمسلمانان تعداد زیادی تاریخ نویسان راستگو و عاری از تعصب غیر مسلمان وجود دارند که از محمد(ص) منحیث بهترین بشر تحسین کرده اند. نظر به اظهارات مایکل ایچ هارت<sup>1</sup> در کتاب «صد با نفوذترین مرد در طول تاریخ، اولین جایگاه از پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد مصطفی (ص)

<sup>1</sup> Michael H. Hart author of – The Hundred Most Influential Men in History

است. کسانی دیگر مانند توماس کاریل<sup>1</sup>، له مارتین<sup>2</sup> و غیره وجود دارند که از پیغمبر (ص) ستایش زیاد کرده اند.

### به افراد غیر مسلمان کلمه «کافر» اطلاق می شود

چرا مسلمانان افراد غیر مسلمان را با ملقب ساختن به «کافر» دشنام می دهند؟

**جواب:** «کافر» به کسی گفته می شود که چیزی را نمی پذیرد.

«کافر» از کلمه ی (کفر) مشتق شده که به معنای پنهان کردن، رد کردن و نپذیرفتن است. در اصطلاحات اسلامی، «کافر» به معنای «کسی که حقیقت اسلام را رد و یا پنهان می کند» است و در زبان انگلیسی به کسیکه اسلام را نمی پذیرد Non- Muslim گفته می شود.

اگر یک غیر مسلمان ملقب شدن با کلمه کافر و یا Non- Muslim را دشنام میداند، از سبب سوء تفاهم او با اسلام است. او باید به منابع دقیق اسلام شناسی و اصطلاح اسلامی برسد بعد از آن نه تنها او ننگین احساس نمی کند بلکه از دیدگاه حقیقی اسلام تقدیر به عمل می آورد.

ومن الله توفیق

شنبه ۲۳ سنبله ۱۳۸۷ مطابق ۱۳ رمضان ۱۴۲۹

**Download from: aghalibrary.com**